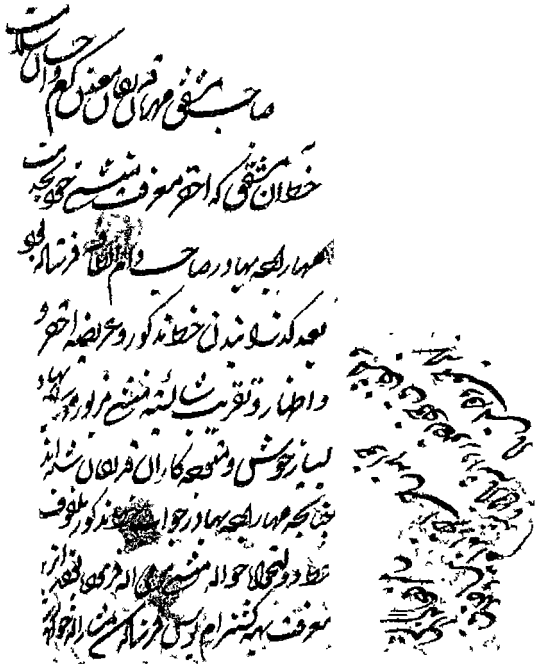

غریب بروز فیض لستر سلامت
فدوی وارفق العقیدت راسخ النیت

رفعت و عزت آیه نهمت و تقوا دثار کاه منزلت کلوس ناج بخش بهادر بتشریف حریر سه جواب

زهی دولت و اقبال نهضت و طالع دستگاه مستر فرنسیس کلوس نانجک بهادر نهم رجب ۱۳

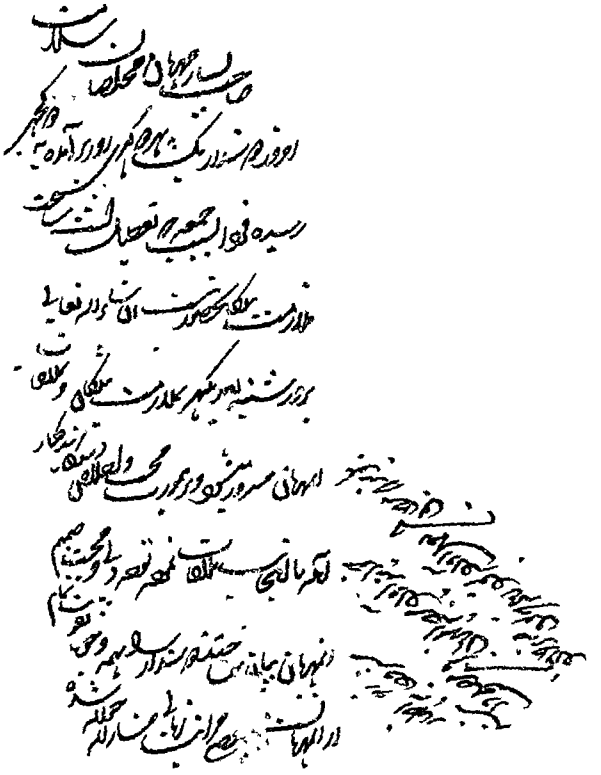

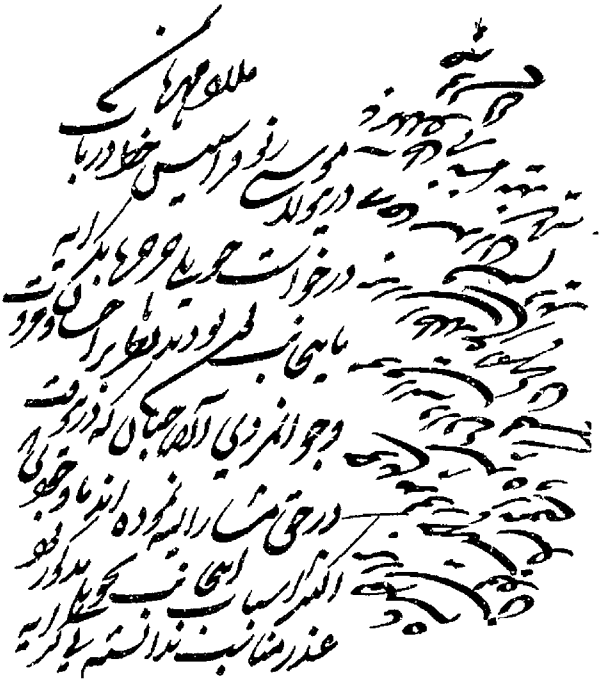

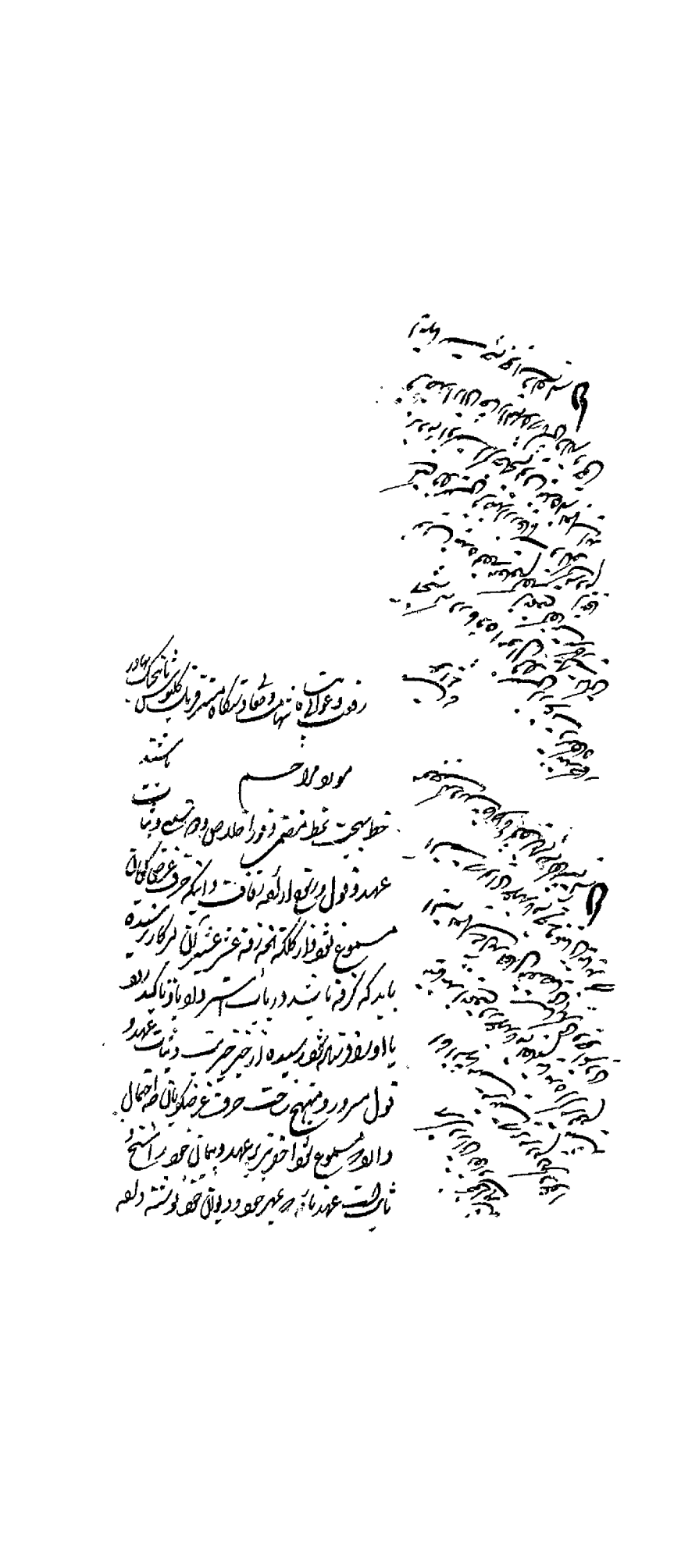

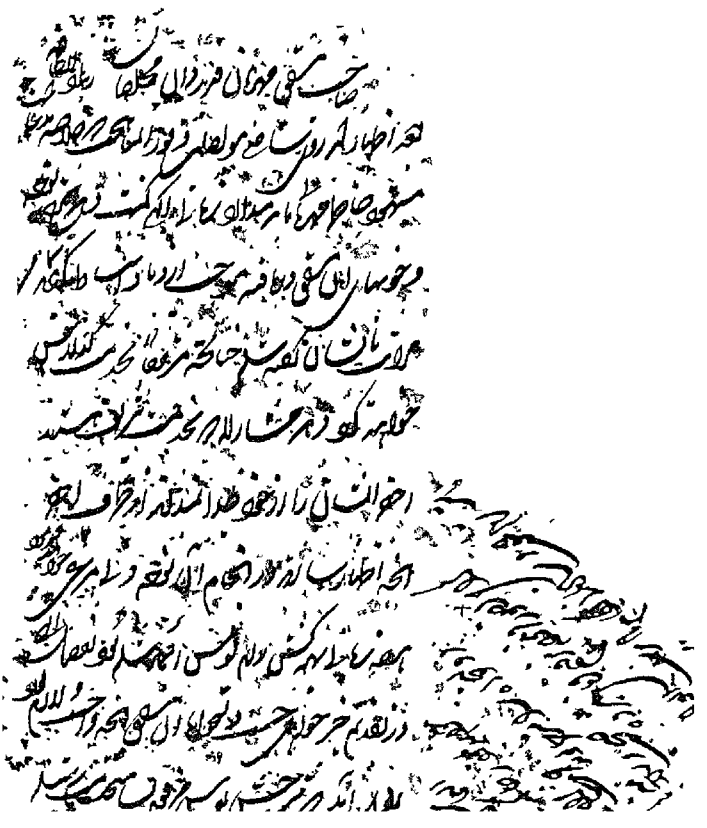

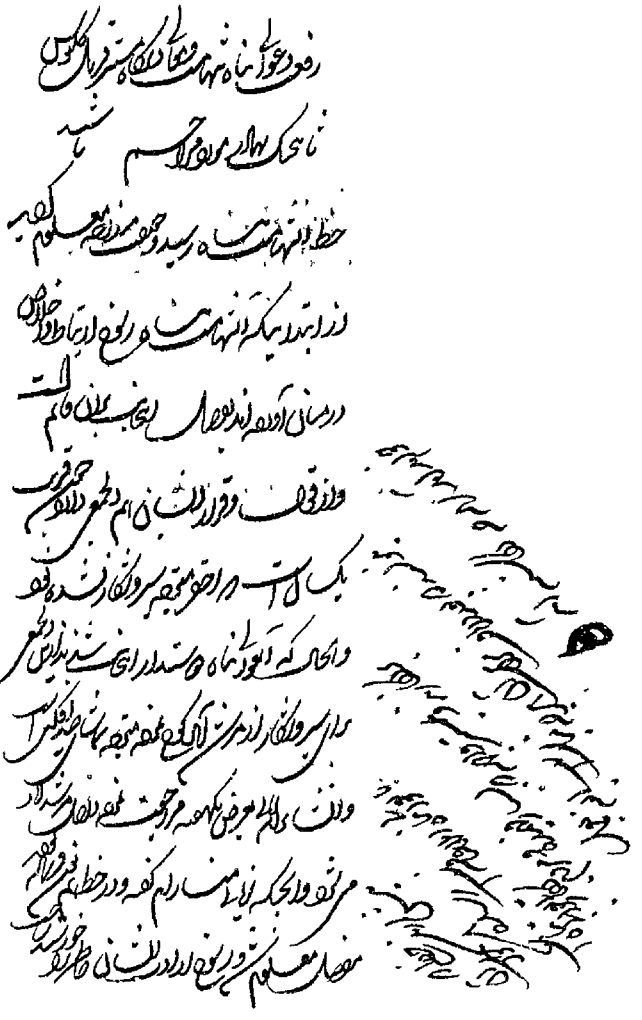

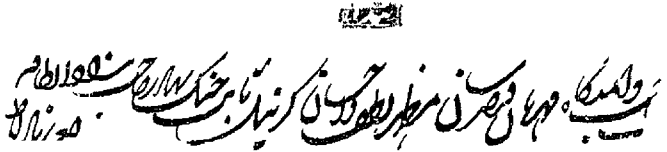

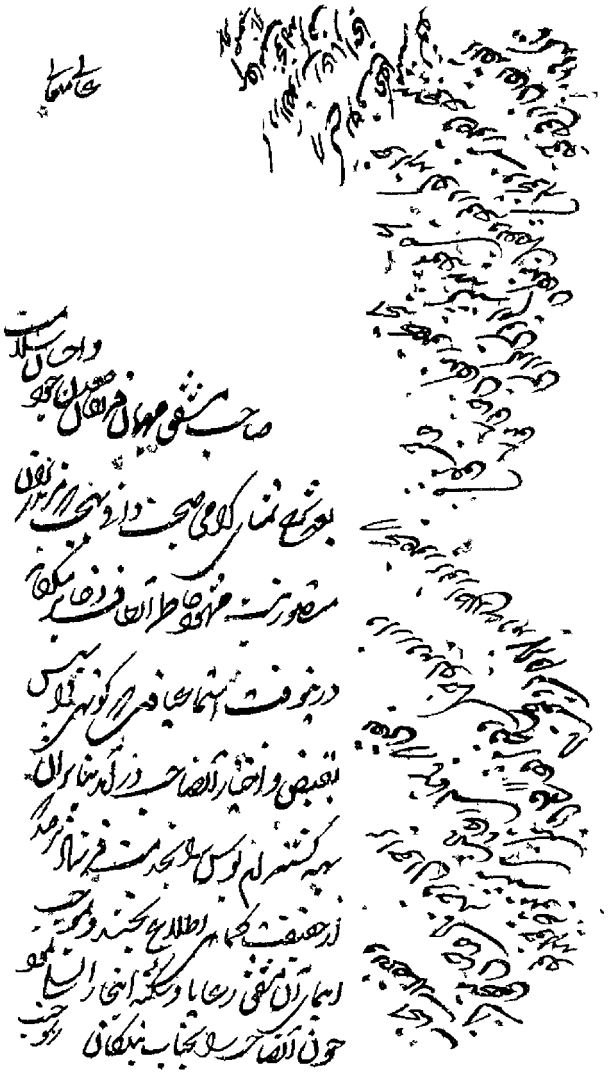

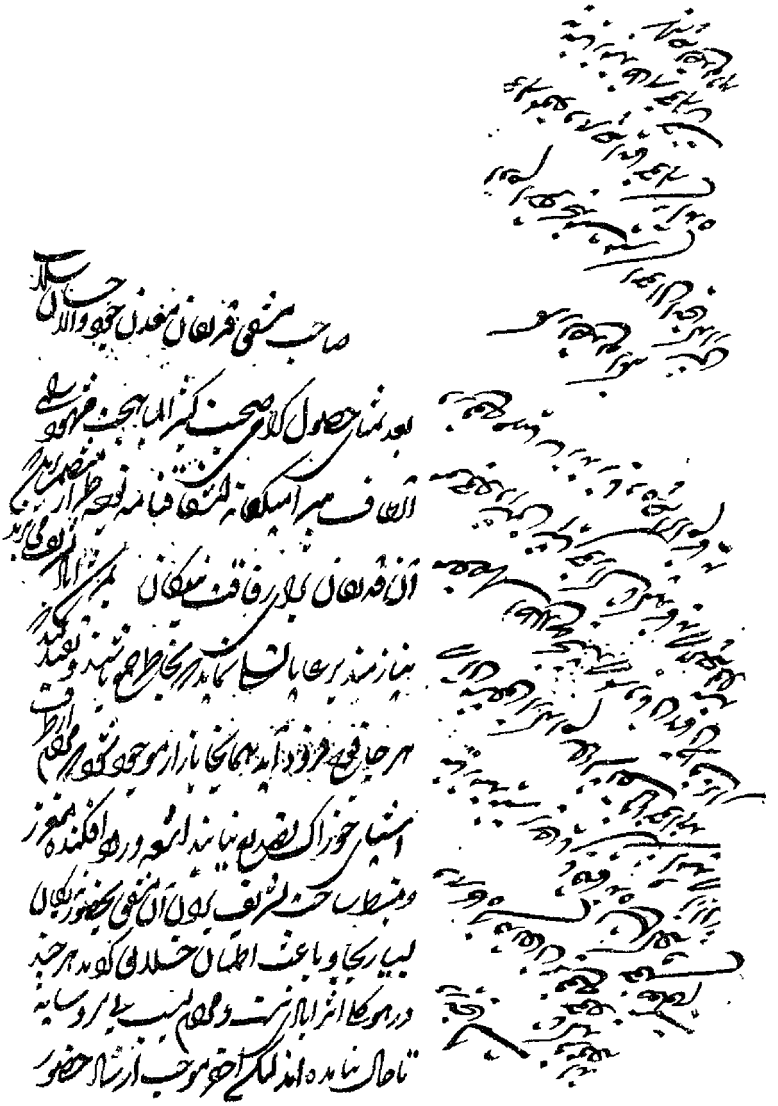

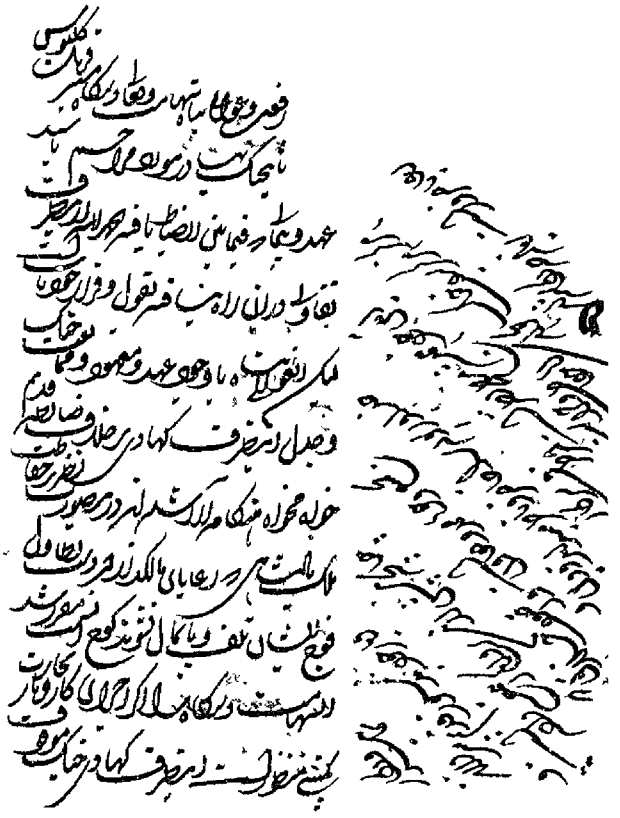

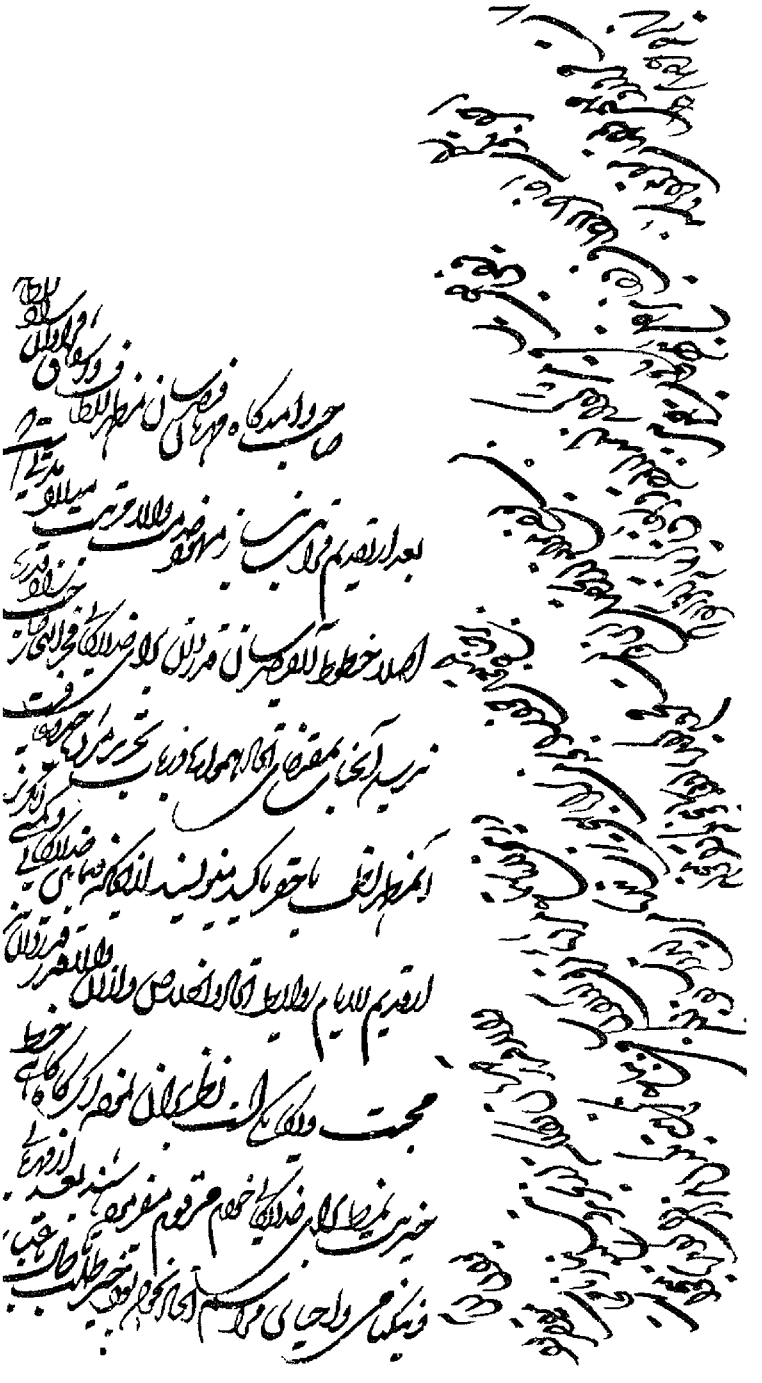

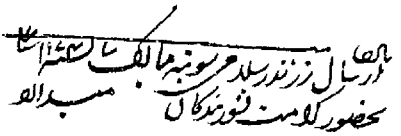

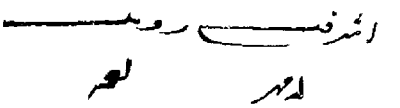

عالم گیر ثانی
فرمانروای ممالک هند
شاه ولایت پناه

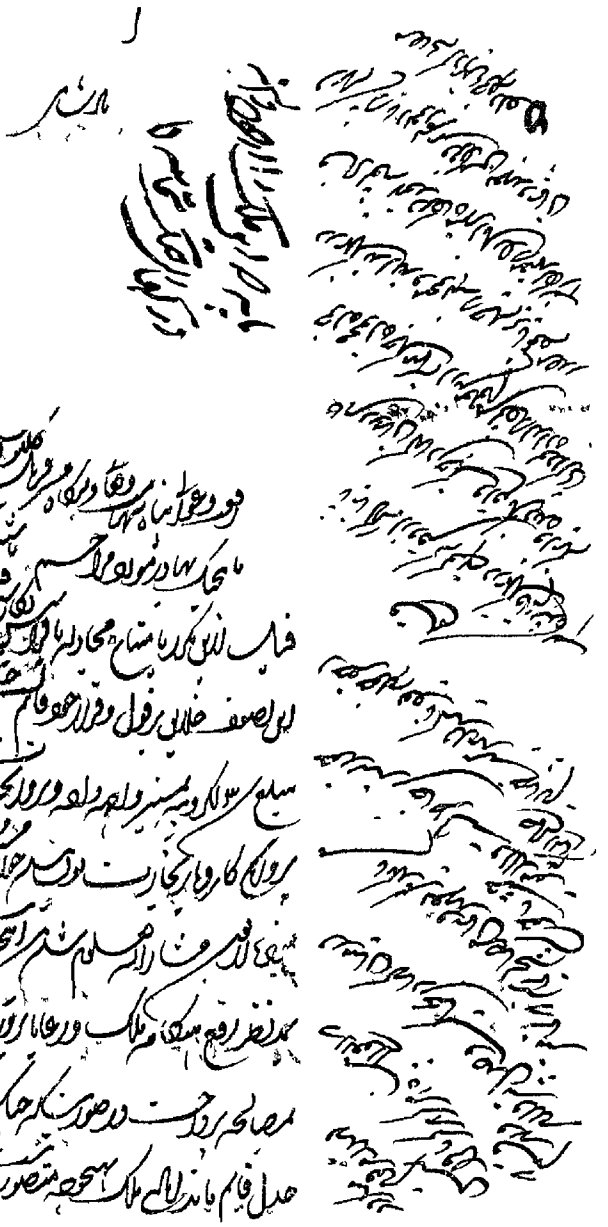

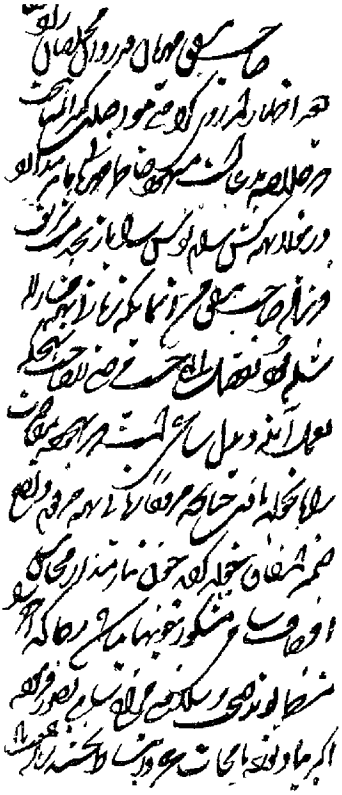

هو الکریم

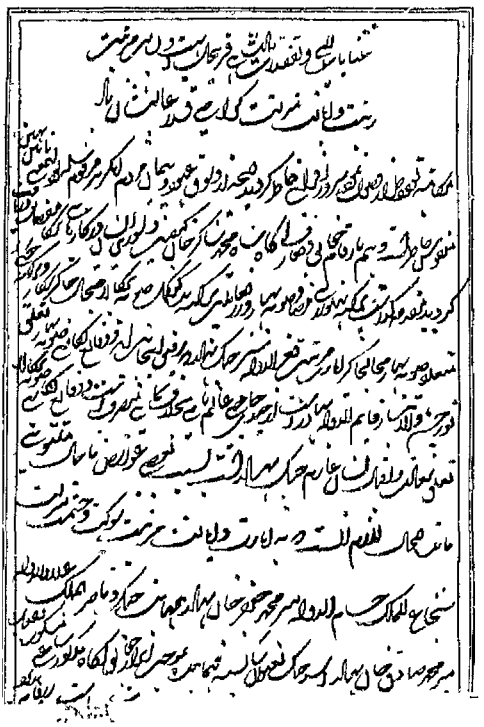

هو الکریم

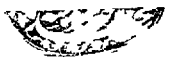

موصول باد

رفعی و علو امر بتشهیر و صایر بر ادوار جلالی و تسنی مفاخر رسم حمایل آمد

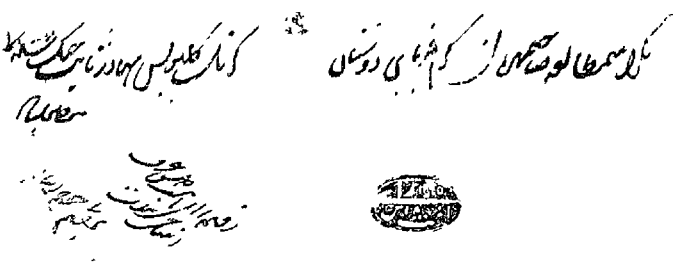

ماکه کونسلیهای کمپانی انگریزیم بکوا یه کوهرال و تاجک مهادر سردار حق

انگریز و دستخط خود ما نوشته میدهم مر انجیکه نقود و اجناس

از کوتیجات کلکته و قاسم بازار و جهانگیر نگر و غیره از انجا

بضبط سرکار آمده بود دار روی عهدنامه با تفصیل در آمده

تمام و کمال بیلے کار و بار تجارت کمپنی مذکور قارح خطا ادم

و ابس یا فتم

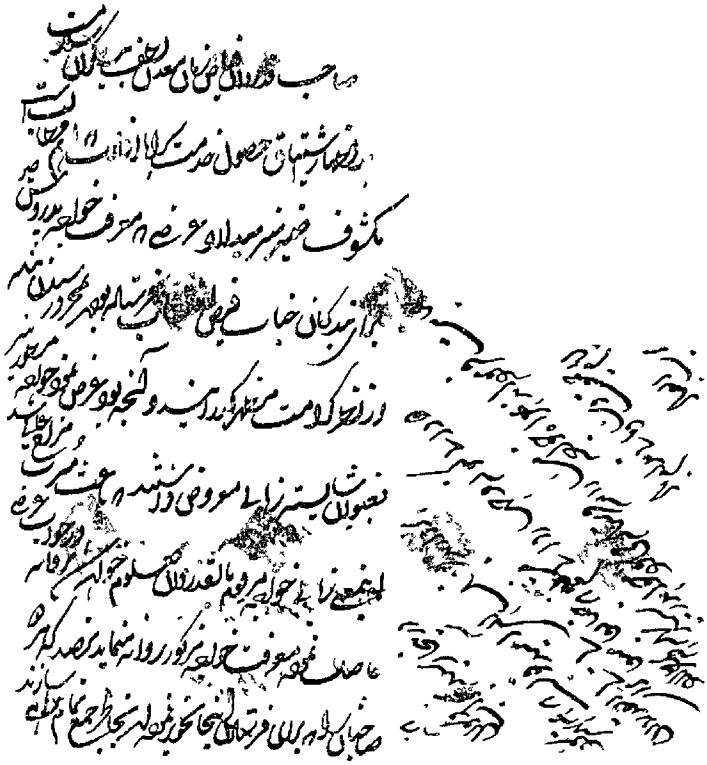

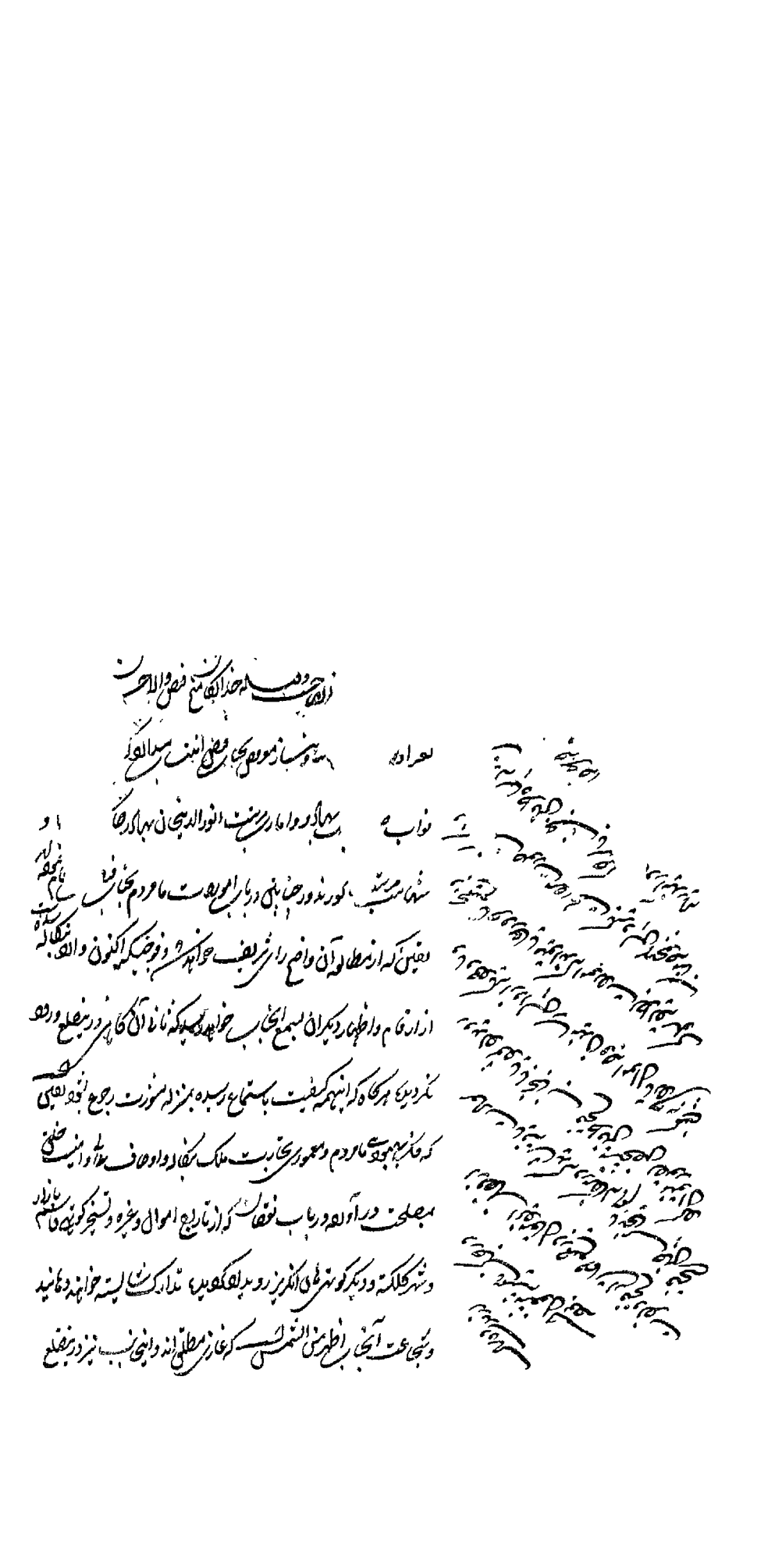

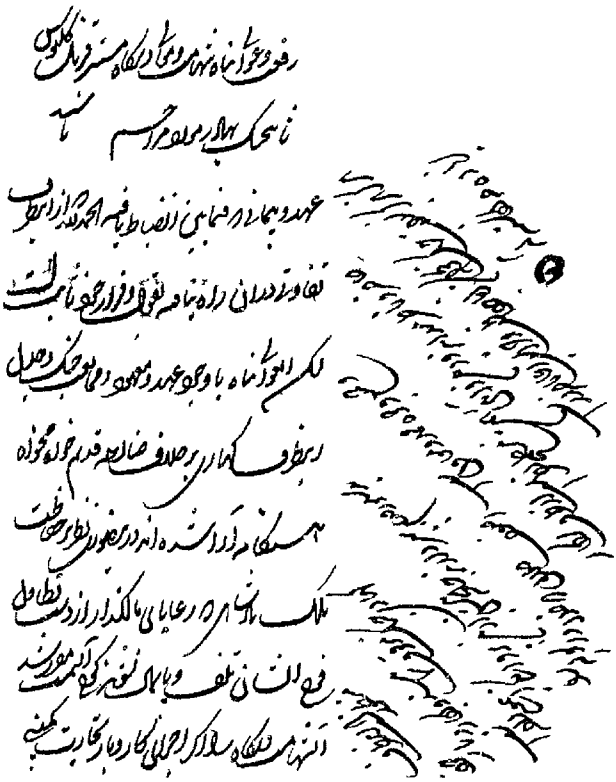

رفیع و علی آبناه شهامت و تعالی در کنف حمایت مستر و فاطمه کلوش تاج کهسار بیت و چهارم شهر شعبان

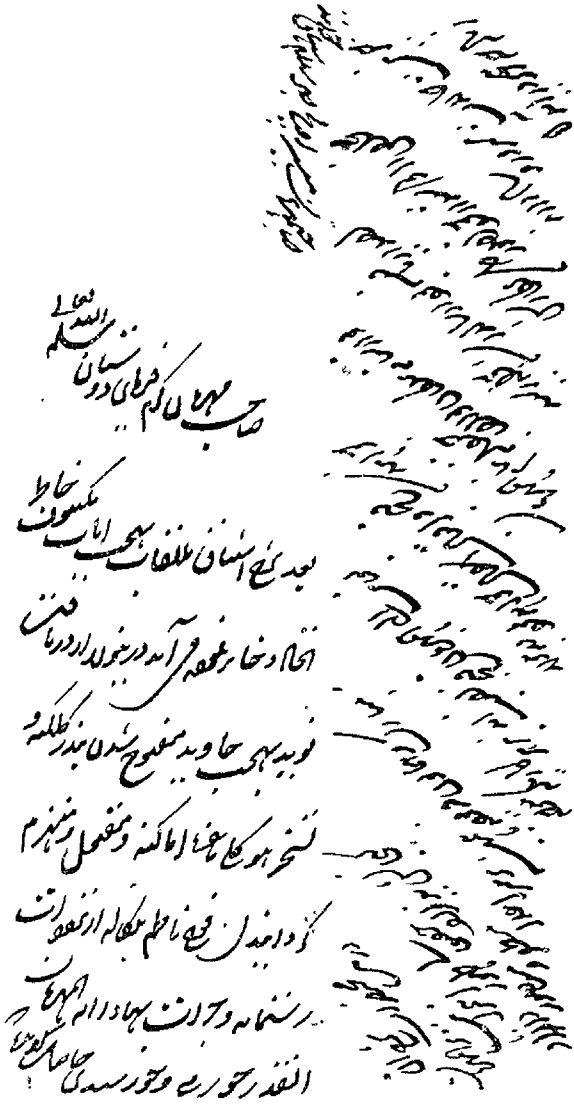

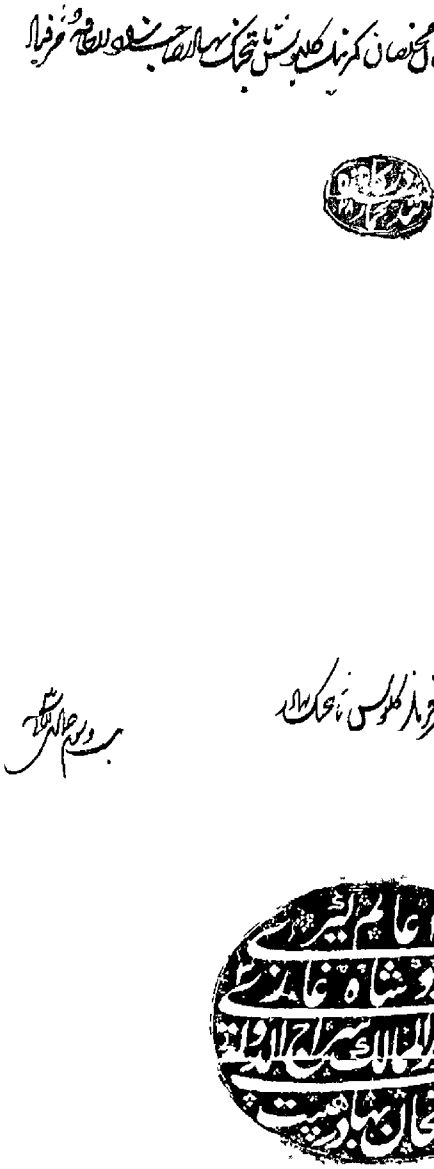

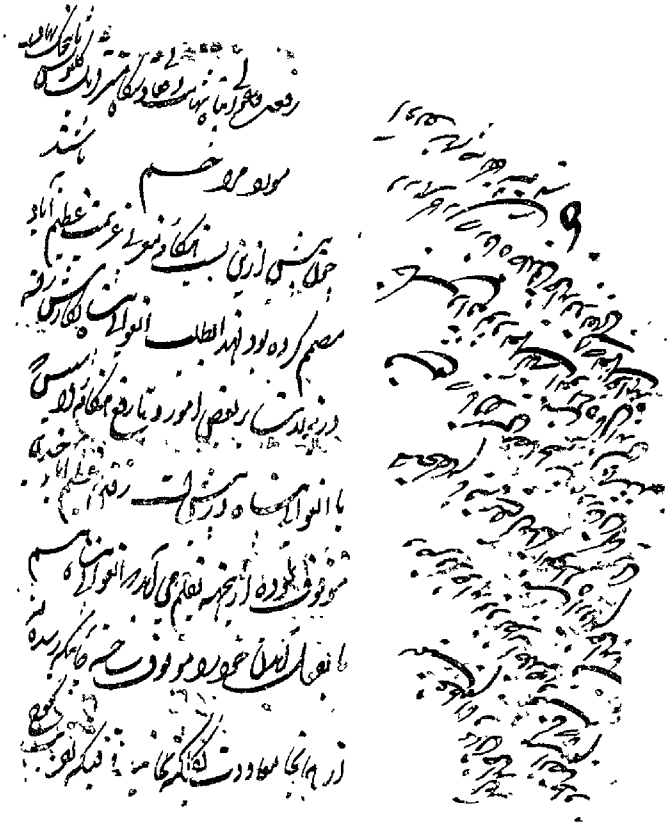

رفو وعوانی ۵ تہمت وتعاد یکلو مستر فریک کلوسی نا بخاک بہادر

بست یکم نہر حسے جواب

شہامت و عقلمندی بہادر کمانڈر قرنل کلبوس مانیجک بہادر سلمہ اللہ تعالیٰ

جو رب العزت کی مہربانی سے

رفعت و علا بناه همت و مقاربت کاه مستر فرنکلین کلبورن ناخدای بهادر سنه ۱۱۶۳

رفعت دستگاه نهمت وعظمت پناه مستر ونک کلوس نائب بهادر

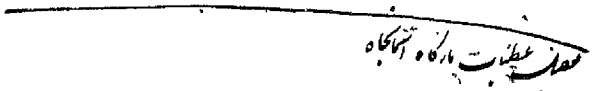

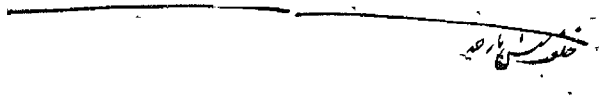

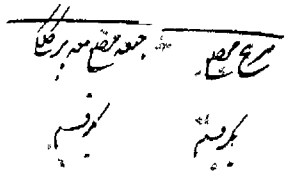

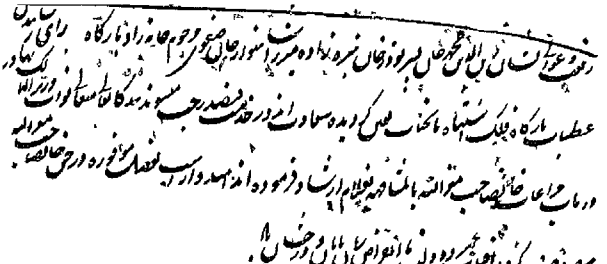

منظور فیض اثر یکتان زبده الملک نصیر الدوله ثابت جنگ بهادر مدظله العالی بگذرانند

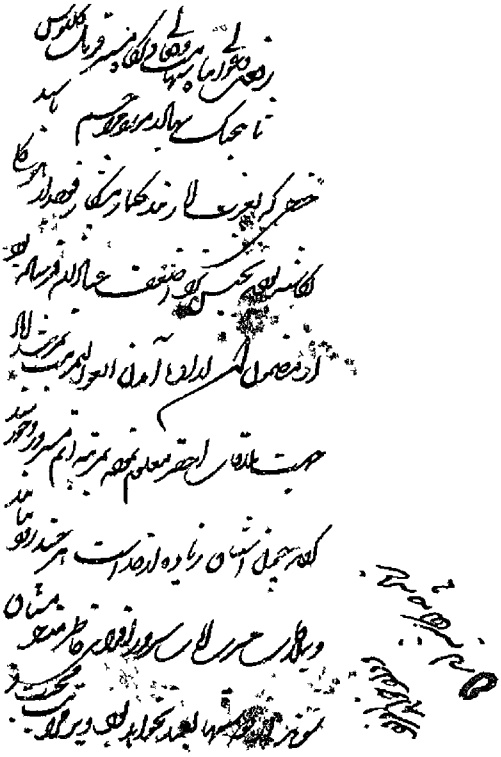

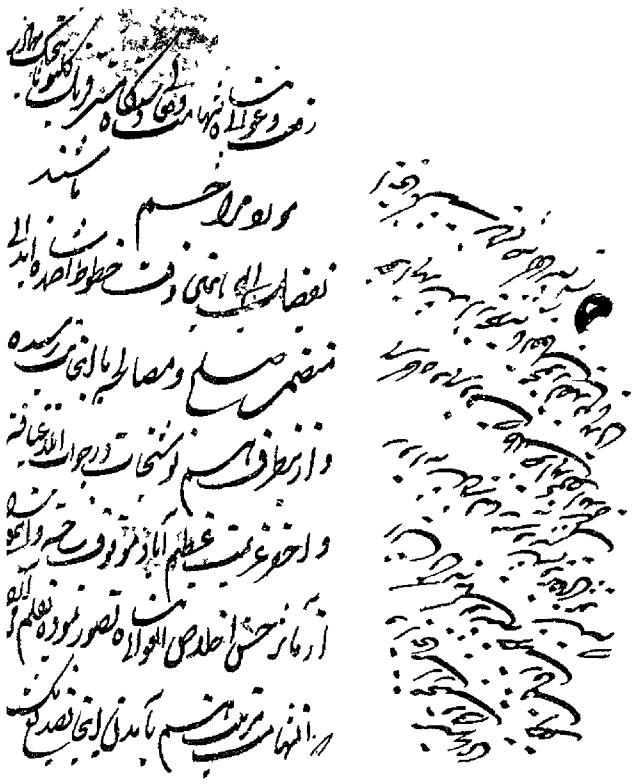

رفعت و عزت آیا نہ ہو وے دیگا مسند فرماں کلوس نا نجبک بہادر

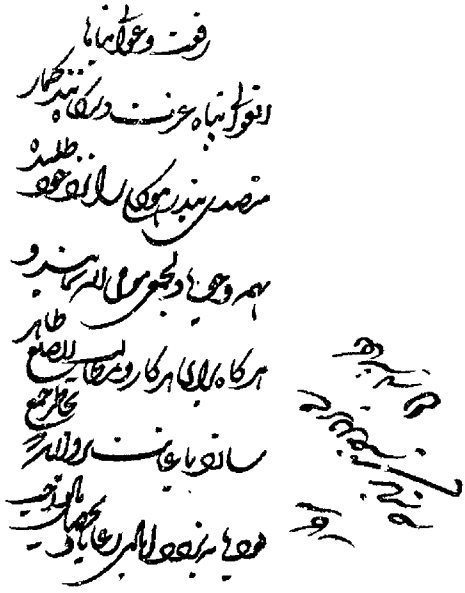

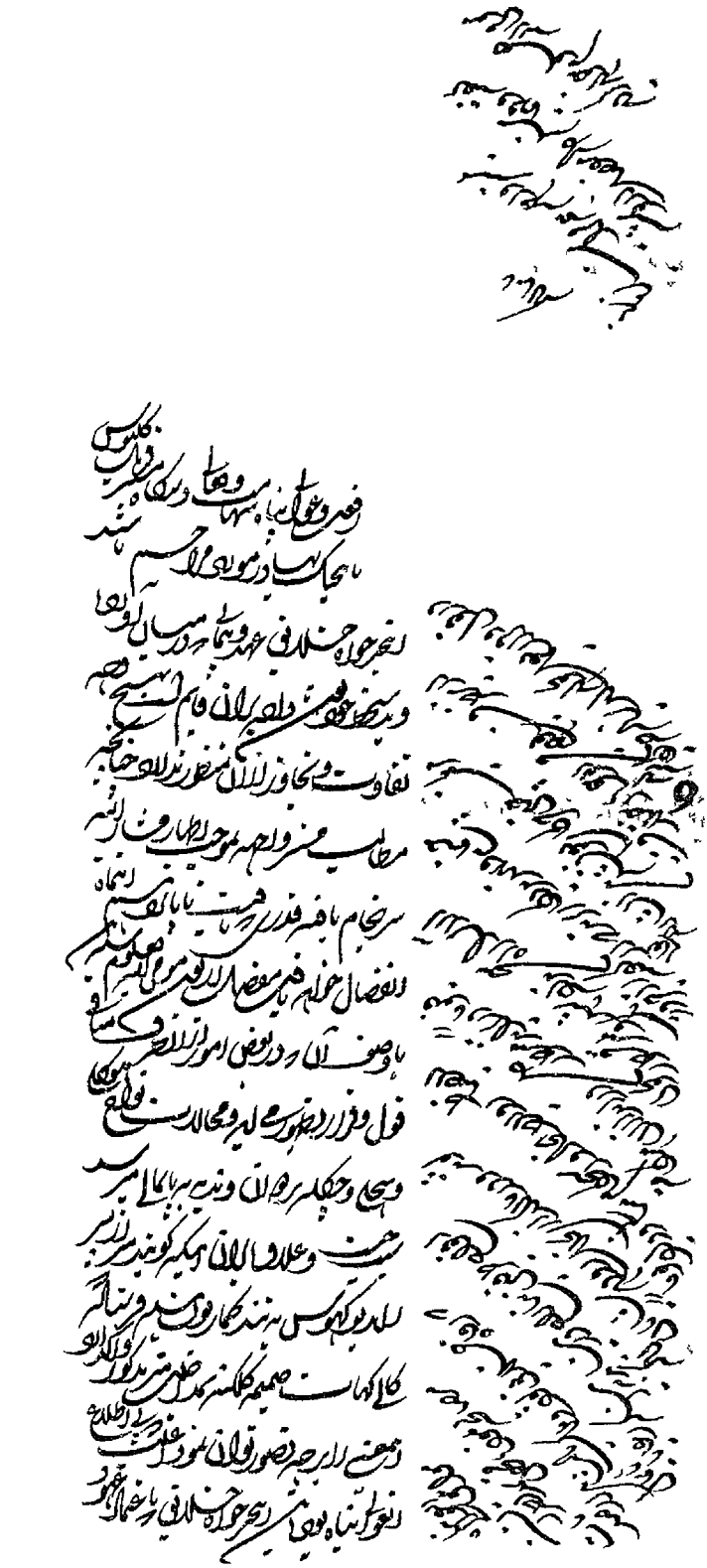

شهامت ولایت مرتبت صاحب لسار مهربان از تظاهرات آن کرنیل کلوسی بهادر ثابت جنگ سلمه الله تعالی
ششم مهرزان ۱۸۷۴ء

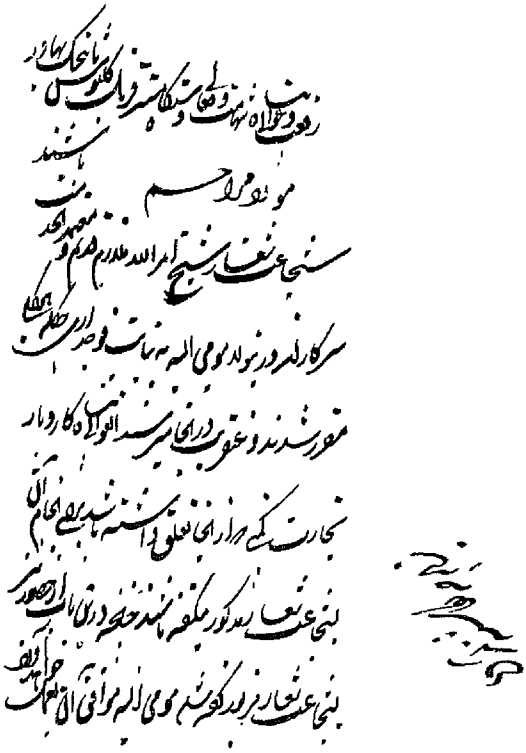

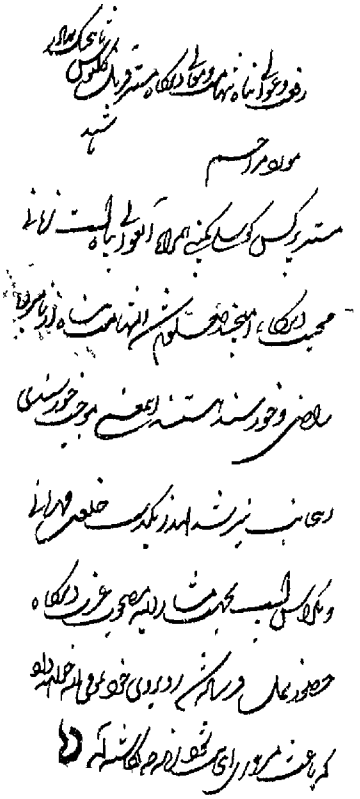

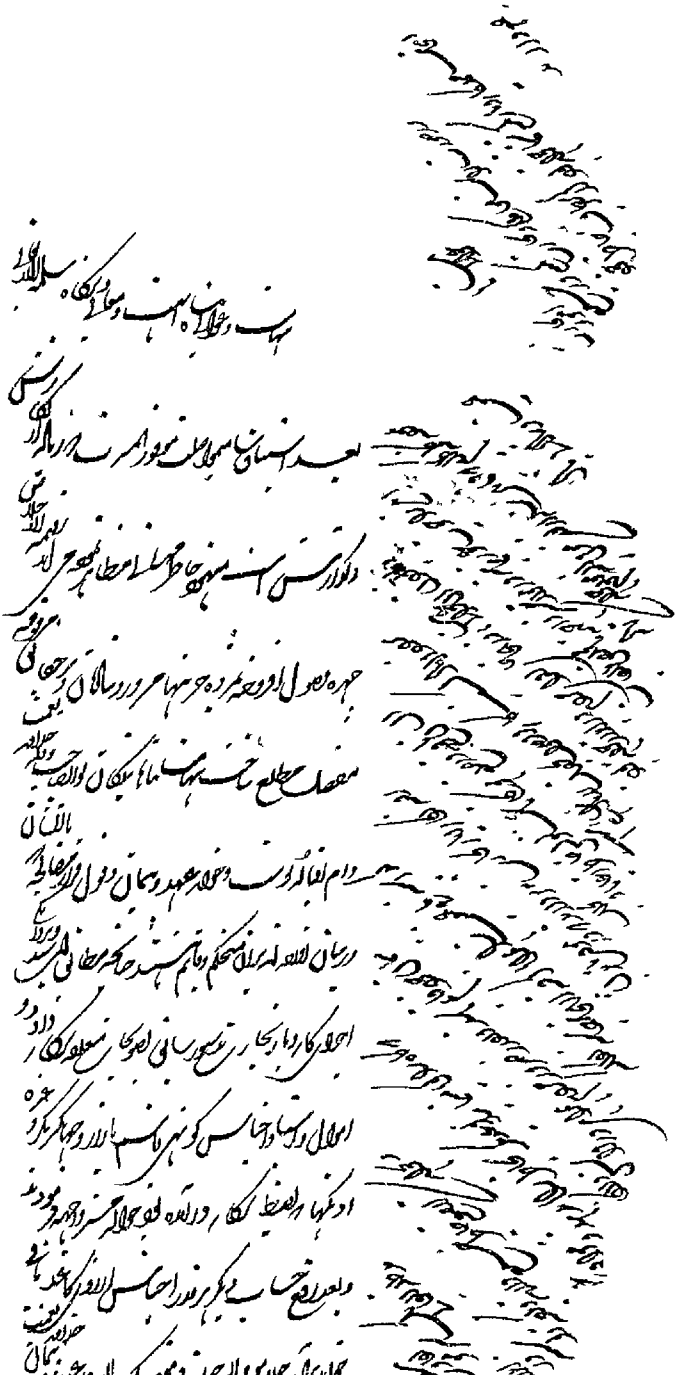

(۱۲)

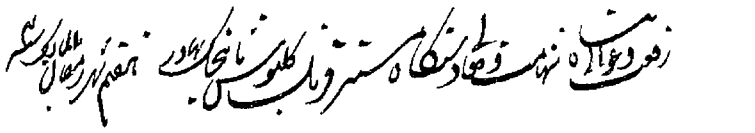

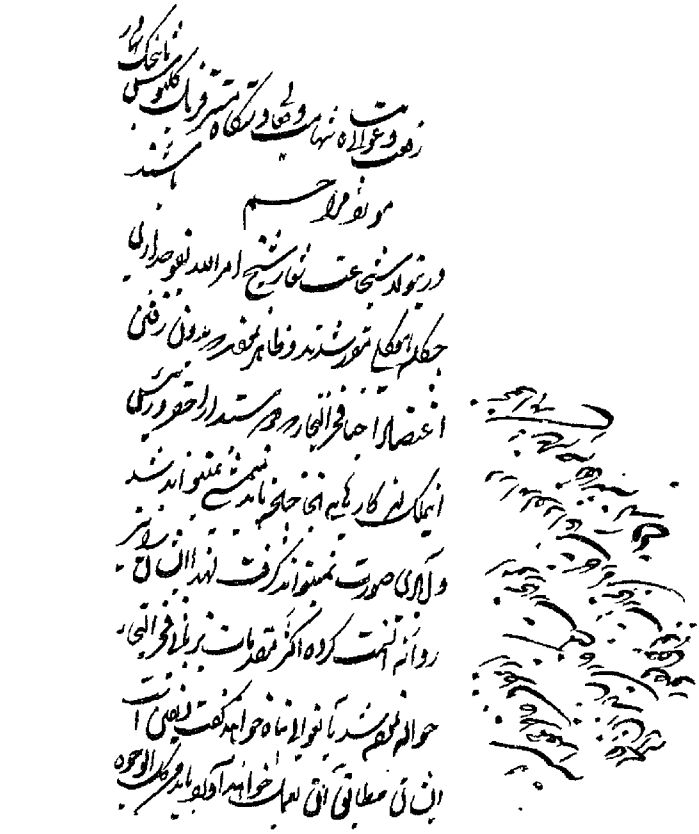

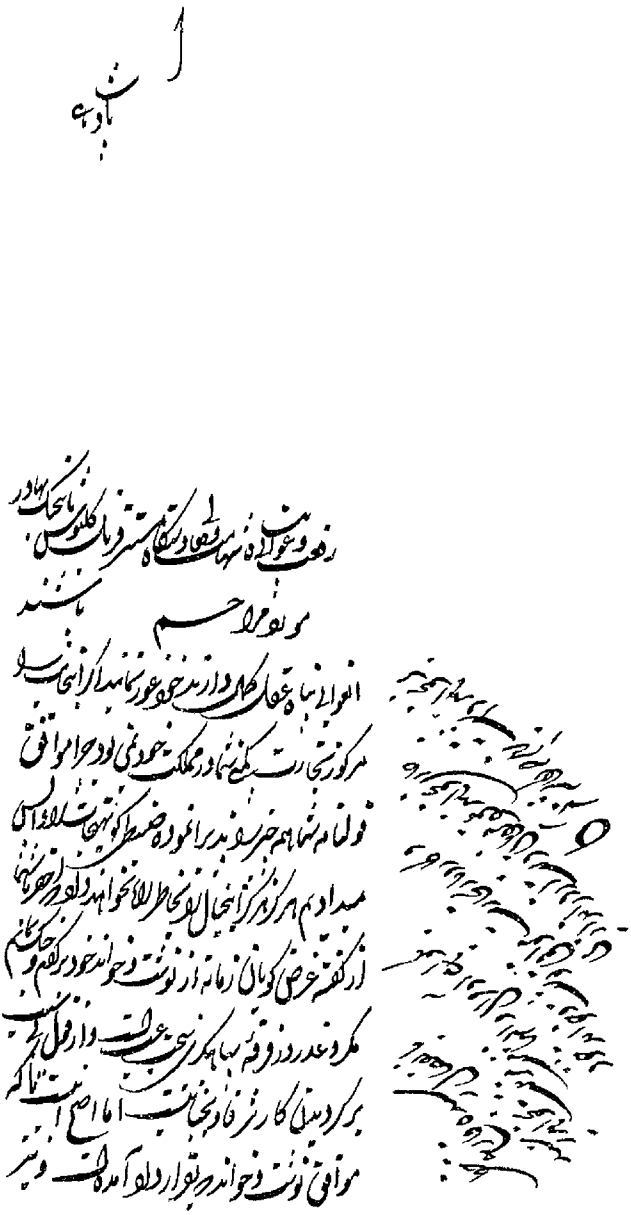

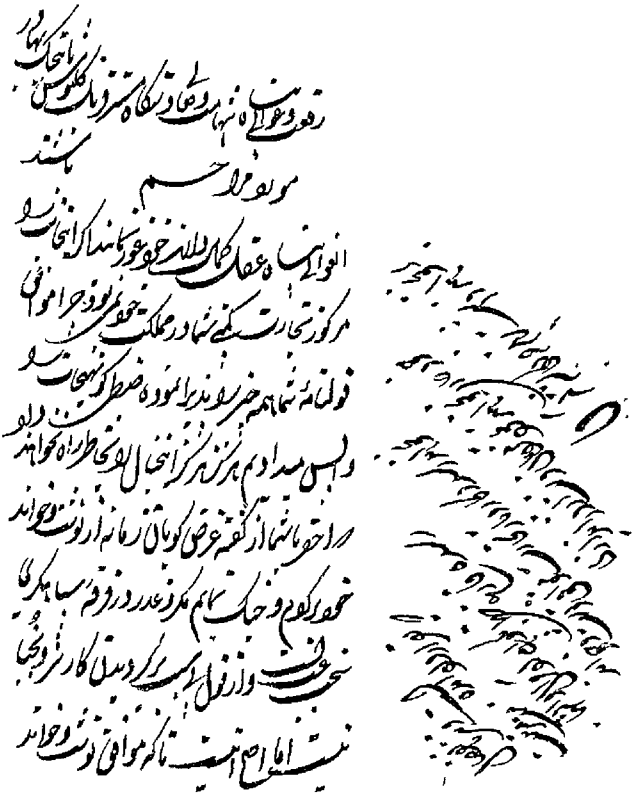

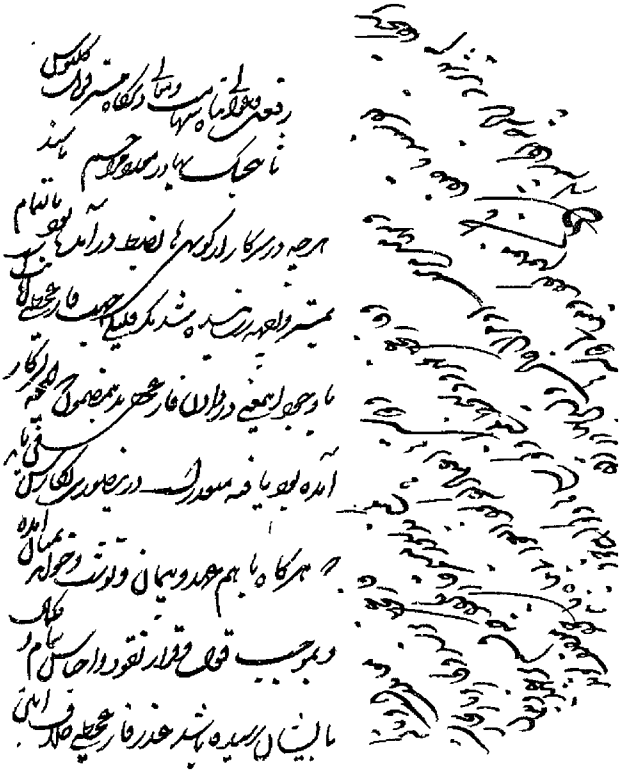

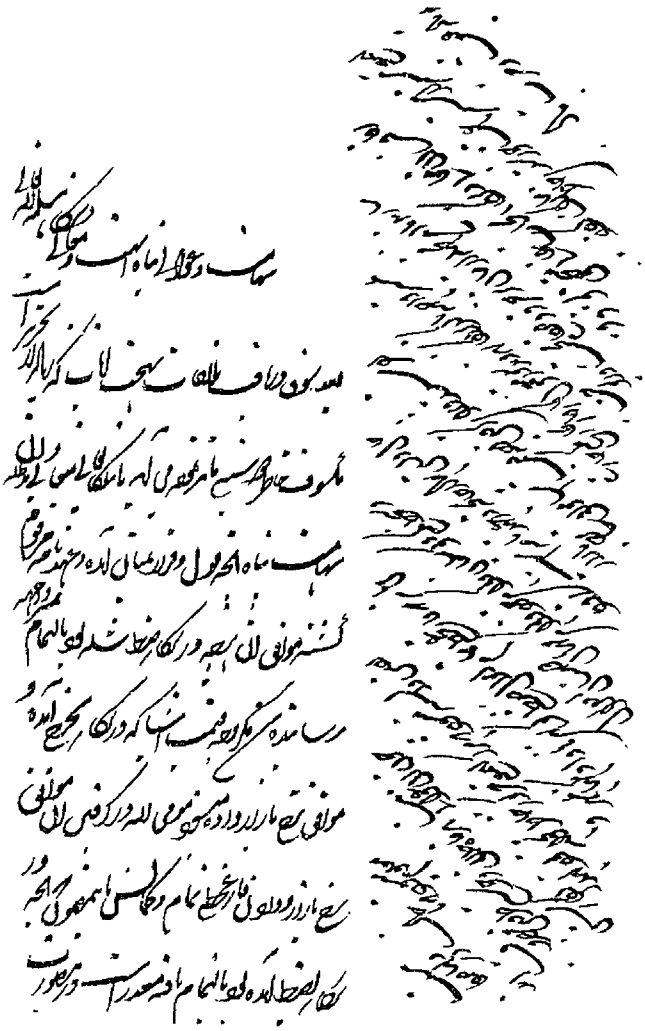

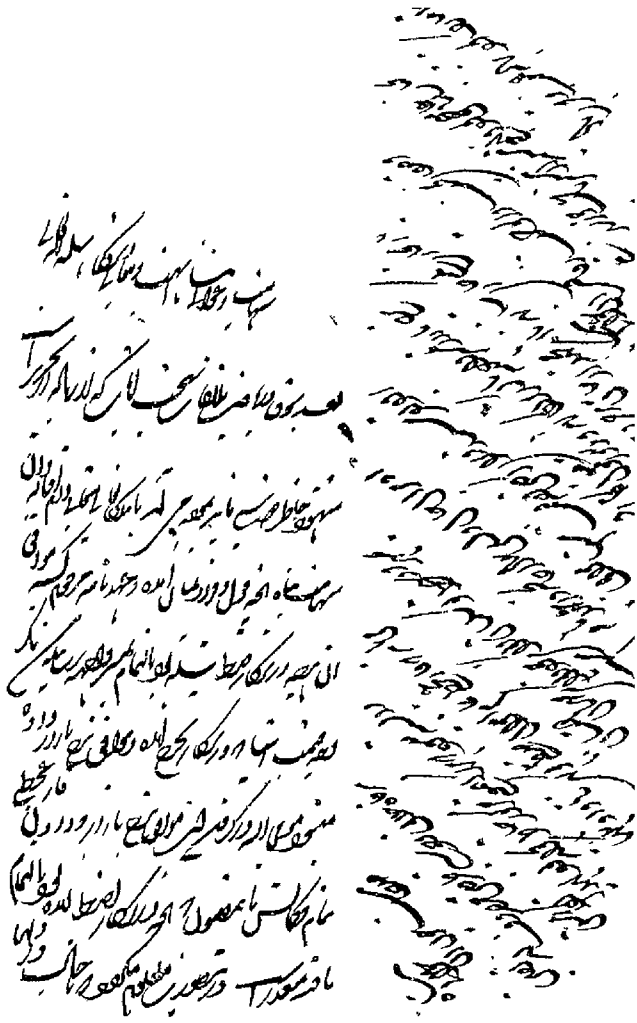

شهنشاه عالمرتبت الهی دعای مزینت ادعوان حال و بس بهار غرشهر جب

رفعت و علا پناہ سپہر وقار و کیوان مسند فرمانروائی کلیس تاج تہادیہ

(۵۵)

رفعت و عوایده نهضت و مولد دستگاه مستر فرنانکلوس ناخنک بهادر

(۲۸) رفو دعوگو پناه تهمت و معاملہ کھا، مستر فرنکلوس تاجدار بہار

رقعه وقفنامه بهبهان و صحاری مسترقان کلوسی خاک بهبهان

رقعہ مقدس پنہ مہر دولت و اقبال مشتمل بر فال کلوس نامچہ بہادر شب دہم شہر صفر ۳

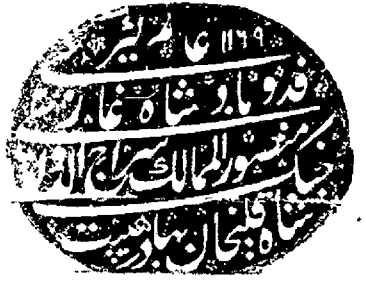

وفد دعوة الى شهادة المحاماة لدى المستر فرنك كلوس نائب كمار

Colonel

رقعه دعوا میر شهاب الدین صاحب از اولاد جلال الدین بهادر مسلم صاحب السلام

رفعت وعزوا لمرتبت شهامت ودستگاه مرادمندان اقبال وتمکین بهادر

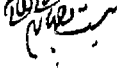

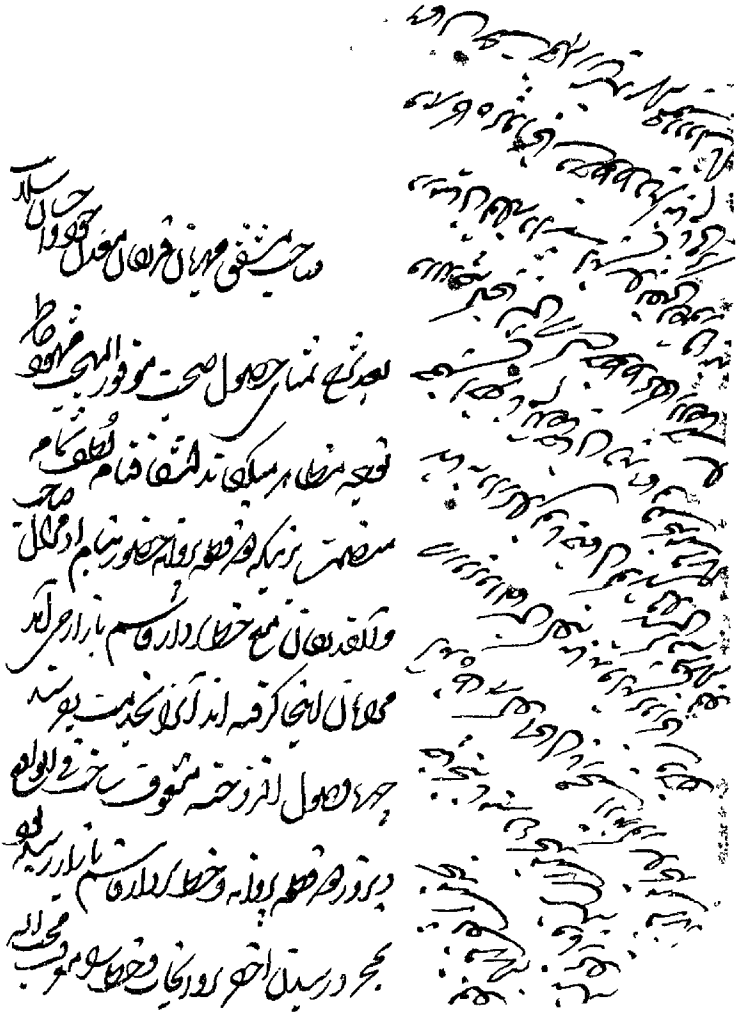

رقعہ کلاں ماہ مہر دمی والی دکھا، مسہ روپیہ کلدار سنہ ہجری ۱۱۶۹ سنہ جلوس ۳۲ مرید دھرم عالم الثانی ۳

رقعہ بنام ماہ سیما بیگم والدہ دکھا، مسمی فرماں کلرکن ناہجک بہادر

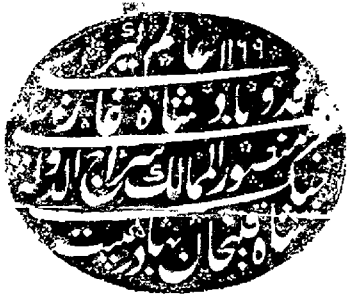

رقعہ ۲ لے کر ماہ مہر دسمبر ۱۷۸۴ء مسمی فرماں کلوسن ناھجک بہادر مرید ۳۲ صاحب عالم ۳۳

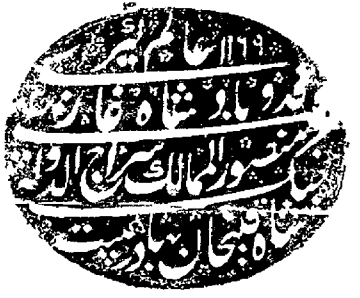

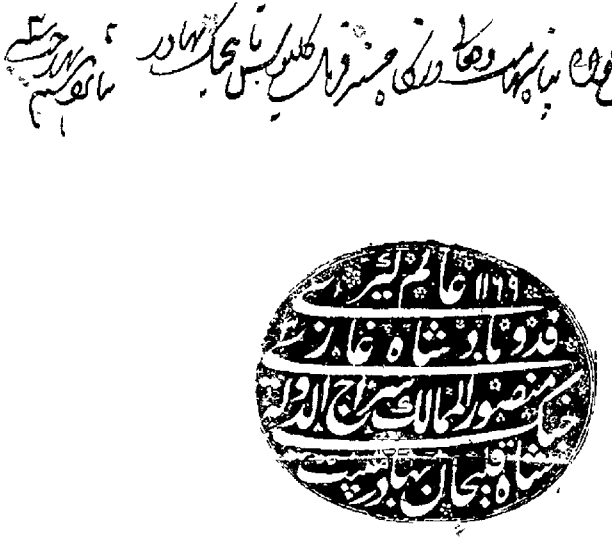

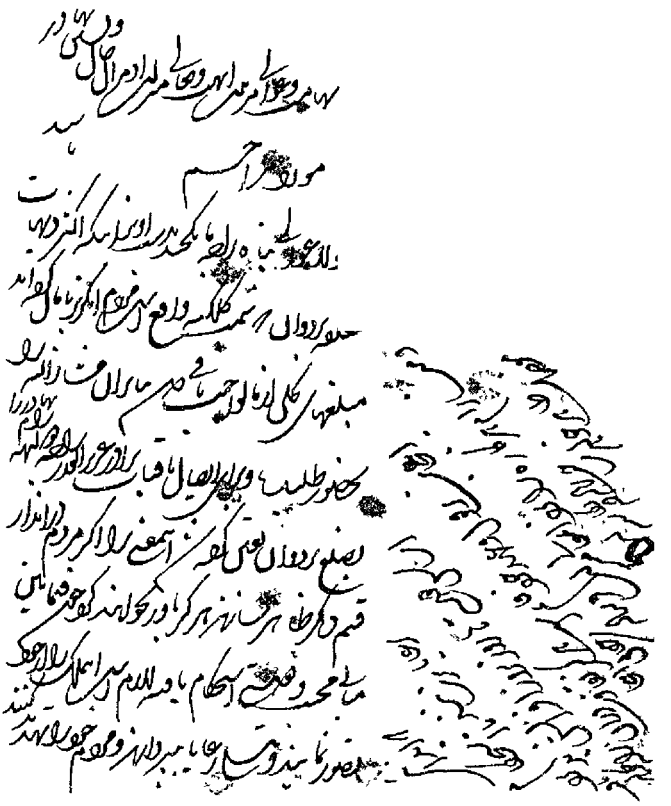

رفعت عنوانی پناهان معالی دستگاه بهسر و سامان کلکسرس

ماهیک سپاه در معامله حاجی هاشم

خصوصا مرسوله در معامله کوهرخاب و امیرآباد

امیرکبیر العنوانی پناه روادار الخصال مالک

رعیت میندرجس مطلع گردند بنابر

و نظر باینکه دشمنان دین و دولت

و دشمنان این آستان سپهر اساس

از صوبه جات متعلقه اخراج نفعا و به نامیان

بتقدیم قلمی گردیده از اخراجیان مذکور

معلمه کار خاندهند و اینجانب بحکم جنابی

لهذا عنوانی پناه اگر از قلمرو

قصد محاربه با ایشان در میان خواهد آمد

در میان آمده که هرگاه العنوانی پناه خواهند

با فوج جرار شکن ایشان خواهند

بحمدالله و المنه بر نوشته اند و عهد و پیمان

بمیان آمده که قایم مقامان در معامله کوهرخاب

اصول قلمرو العنوانی پناه

و صدارت پناهیت و لکوک جنابی

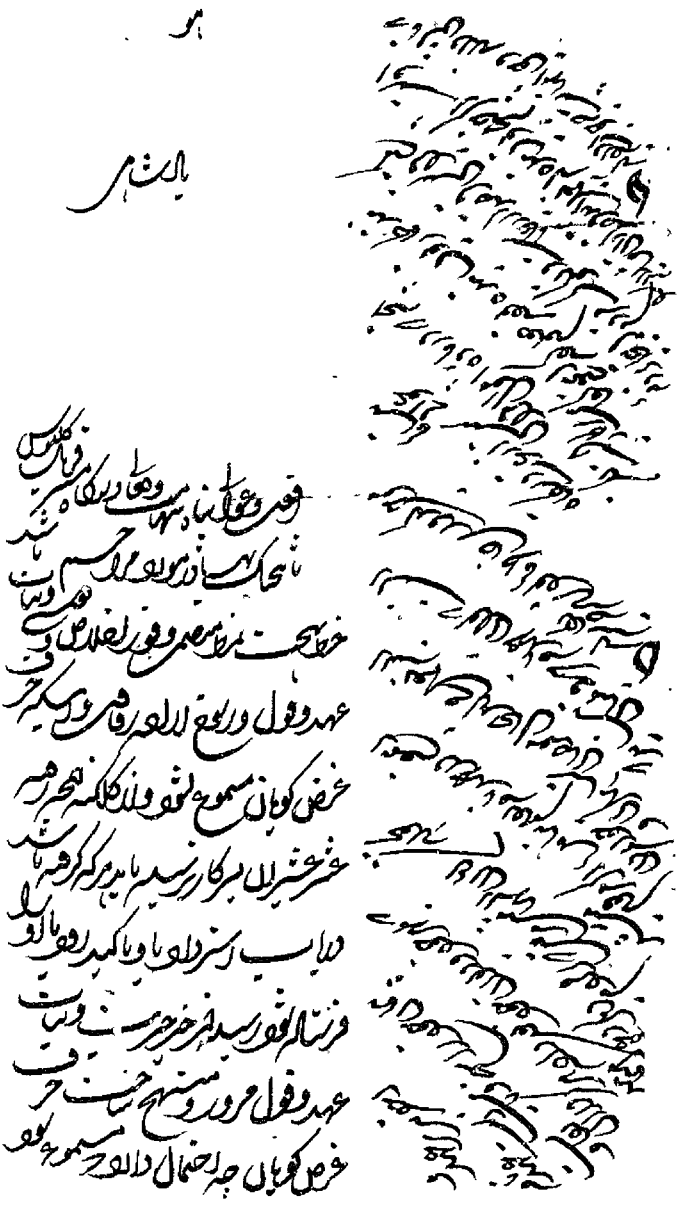

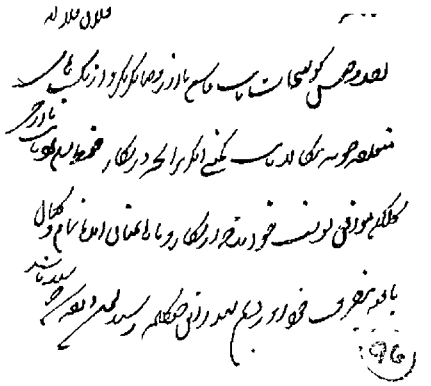

رفعی دکتر ابناء سهام معاد دکتر مسیر تربیت کلیوس
شاهد حساب سهام ابوالقاسم شاهد
الحمدلله والمنه ایجاب مراتی فوق العاده و نوشته و خواندگی
در میان آمده بر تمامی خیر قائم است و آنچه لقد و جنس در کار
او کوهی قاسم بازار و جهانگیر و ارباب آمده بود
همه مسیر و احمد لقد معرفی کوتهی بر او رضایت مکتبی مهیا
و مهار العقیر و بخشد و مانده و جنس لوکیان از کار حاجات
حواله کرد انیده قدر فیلیا که باید است موقوف فارغ خط
باید که فارغ خط موجب نموده که مشتری حواله مسیر و احمد لقد
لعمر و بران عهود و بخط کمپنی خود و عهود و بخط احمد و کرسنال لعمر
که مسیر و احمد لقد نسد و مشارالیه بر کنار فارغ خط فارغ
رشته تمامی بکید و الا مردان عهد یا کیر بر نوشته و خواندگی
آنچه از روی قلم و رقم در میان آمده است قایم باشد

(97)

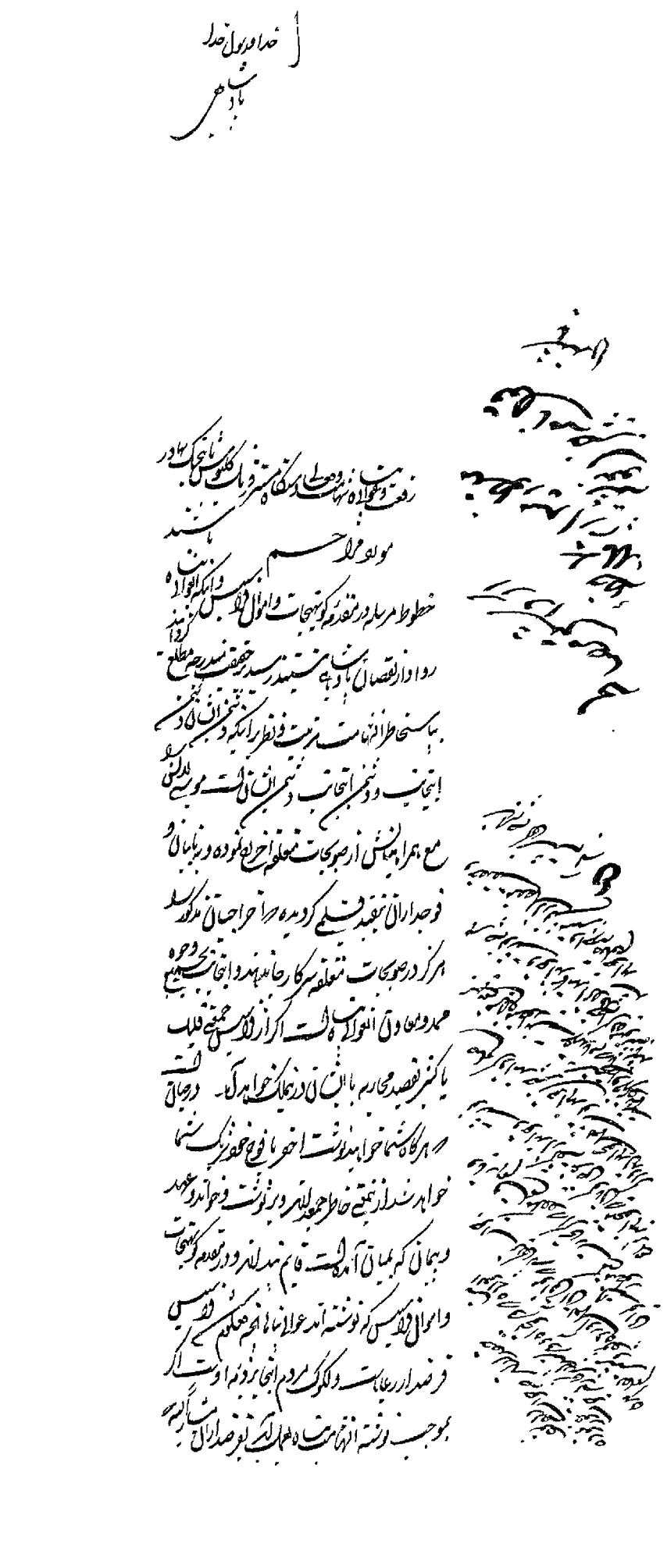

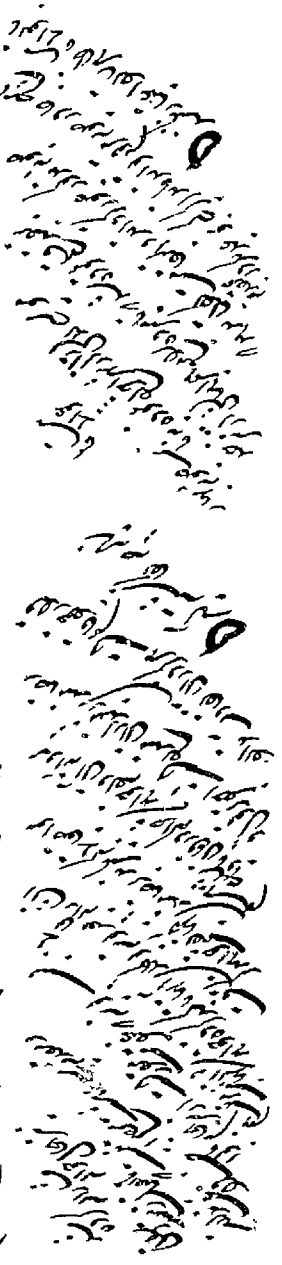

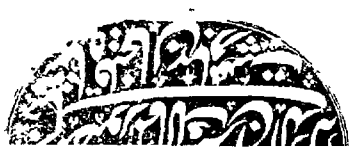

رفعت بعون آنماه سپهر دستگاه مسند فرمان کلیوس

ماهچک نهادرو مرو حشم

خط مرسلم رسید و مضمون دراست کو شهرها ترا مسلم

امرای آن ولایت بعد معلوم کنید حول الشهر مرسوم عادل

ولی ما هستند جمیع مهمات معاملات و امور را موقوف میدانند

لهذا قلمی میگردد که فلانس هم موجب حکم حضور

و فرمان ما شتابان هر دو ملک کوشها اصدار کرده کار

تجارت میتوانند بی دست آویز کوشها حاجت امرای

حواله نخواهند بدنا مرد و نانی ایشان حاجت

و نظر بدوستی ها متعلق از رفعت ماه هر

به بدنا میرا حق نخواهد بود و ایشان هم

همیشه منظور و ملحوظ ایشان که موس رنو کوشها

رفعت و عزت همراه نهایت مساعدت بستر فرنگ کلوس ناخدا بهادر بنجاه جهام هزار سه جوا

رفعت وعز الہیہ سے تہمتن مرہٹہ اور مرزا جاں نثار بہادر

سید غلام علی آزاد

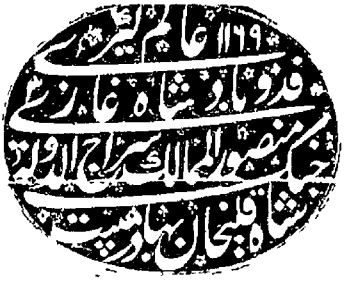

امر سوم

نسبت سهمگین و شدت وحشتناک دارد و خلاف عقل و طبع سلیم
مرتکب خاطر است از رسوا شدن و خلاف اهل اسلام و ایمان
مفصل واضح و لایح گردید و عدم رجوع عوام الناس
خاص و عام بیاورند و ایجاب کنند و عدم رجوع عوام الناس
بیاورند مراد باغی است که از افعال و اقوال او
نمیتوان گفت که ایشان را الله تعالی در صورت
امر دوم صدور یافته است و در صورت
نایب السلطنه در حضور الوزراء و اعیان دولت
خواهند بود و عفو و اغماض حاصل
و عفو و اغماض حاصل

(ii)

(iii)

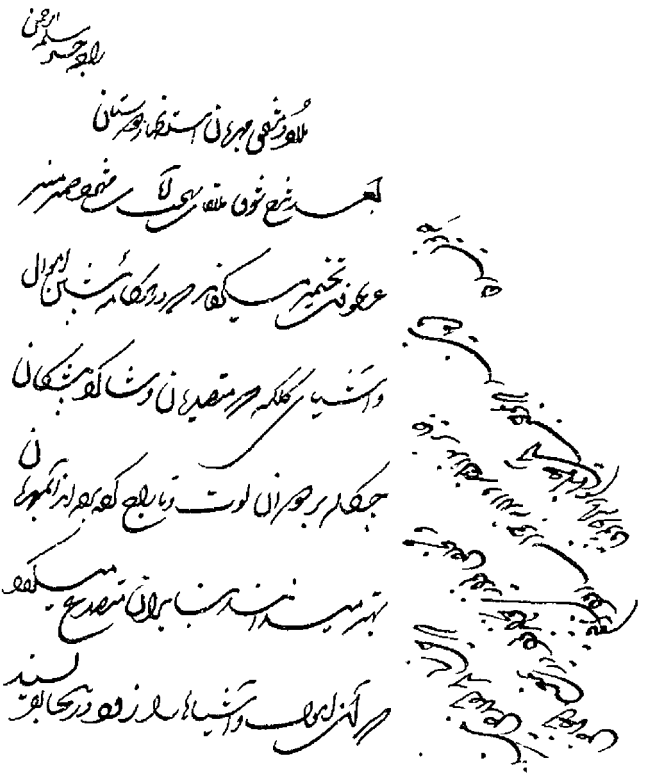

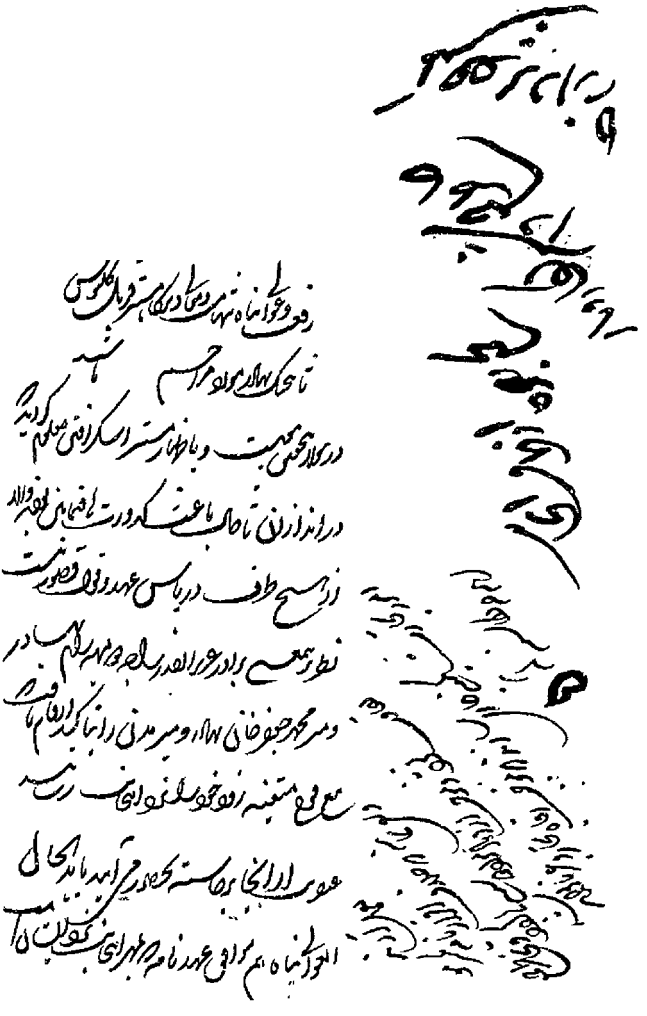

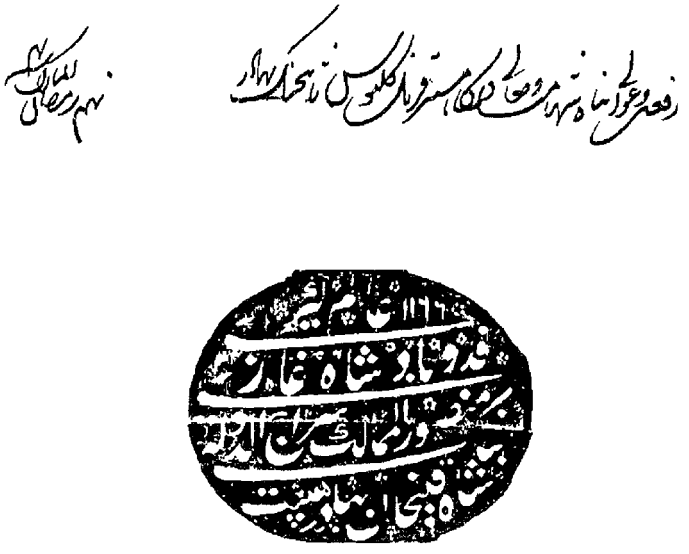

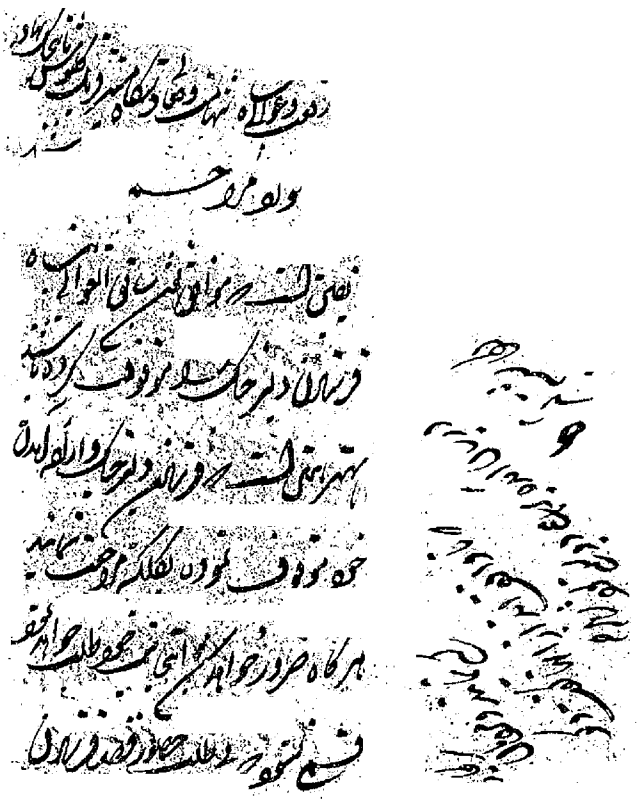

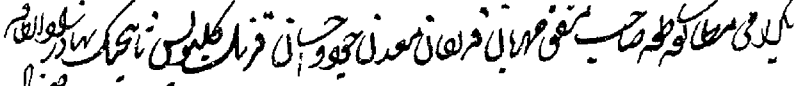

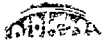

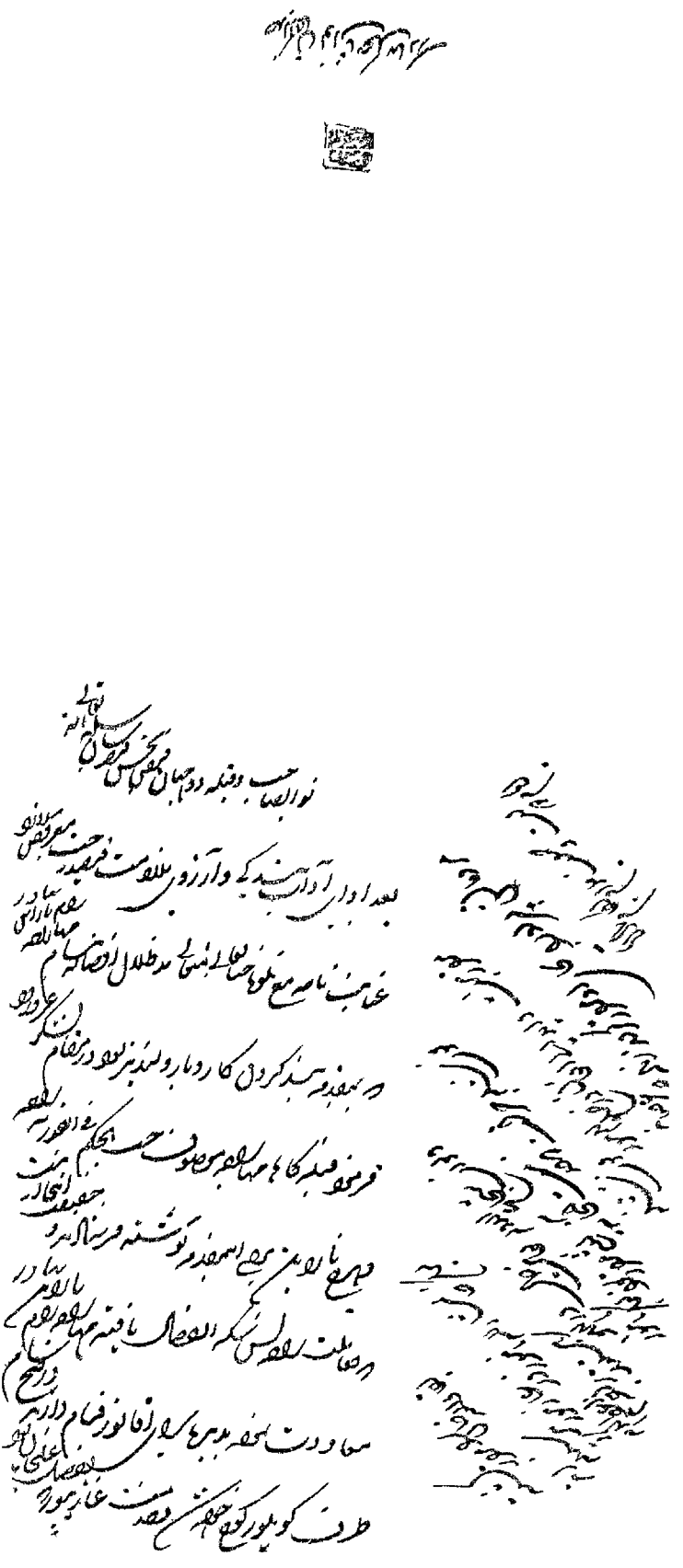

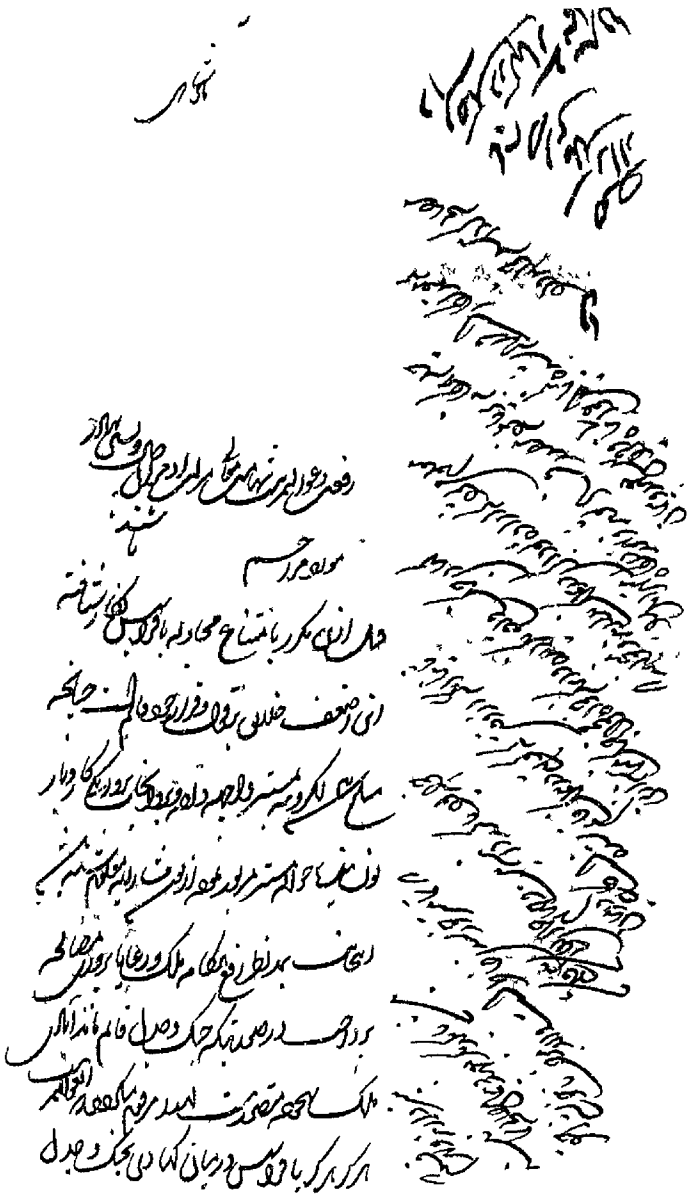

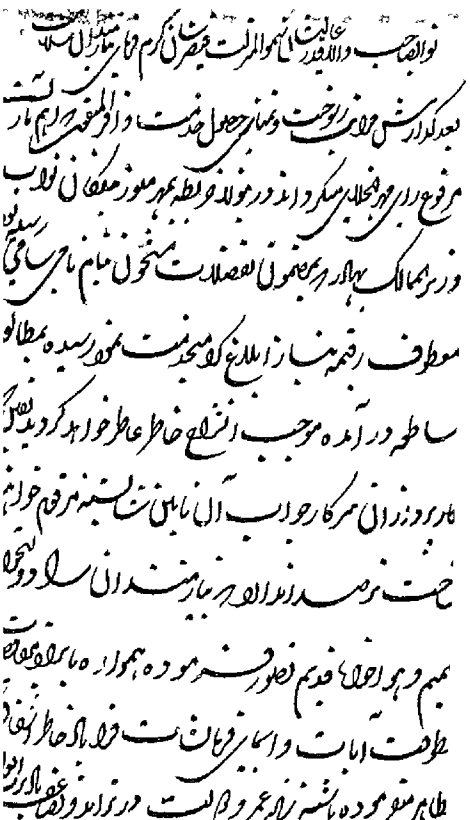

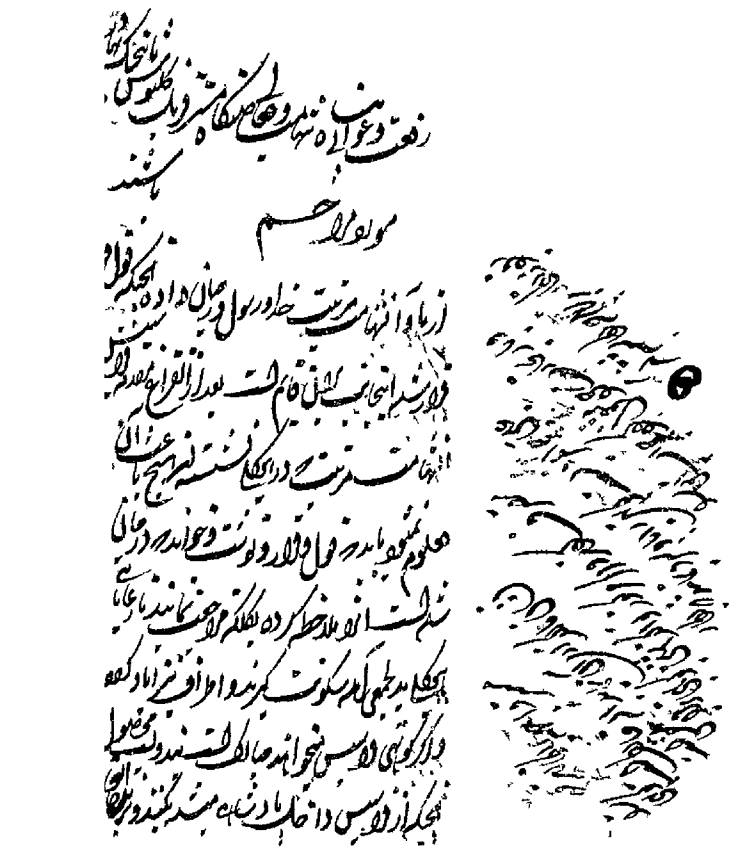

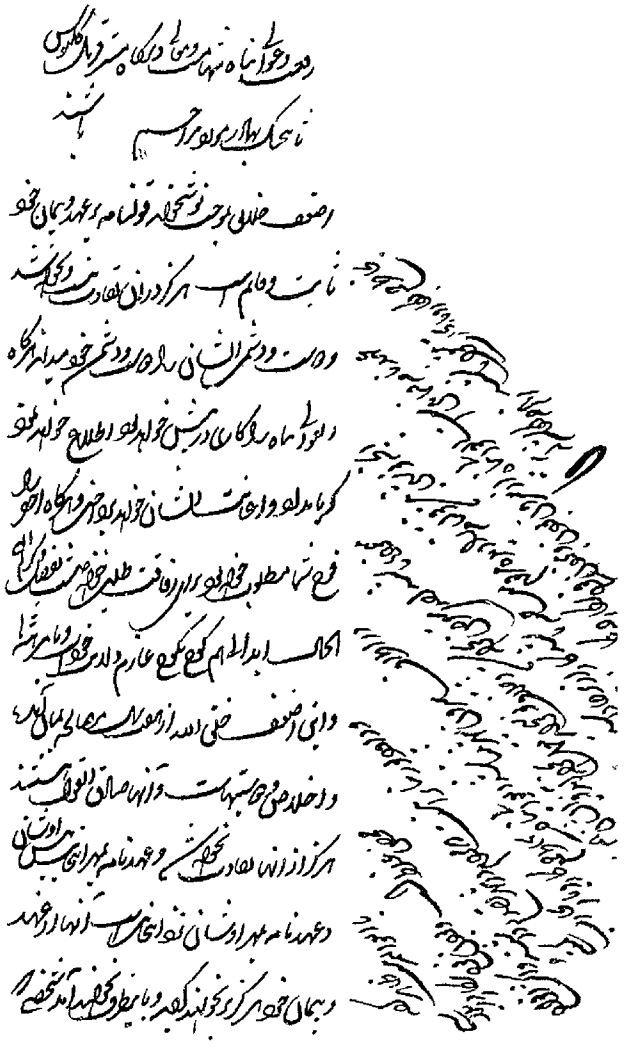

بکلی تحدمت و رفی افادت حضرت عالی مراتب و امرکاه و نفرسان مجمع جعفر الامان

مسر فرنک سعلوس بجنک بهادر حضرت دوم اعتلا

معرر داشته .

شهامت و ایالت مرتبت صاحب بسالت و رهبانی استظهار حرمتان کرنیل کلیوس سی سی ہاور ناظم جنگ سلمہ اللہ تعالیٰ

ہفدہم ہر شعبان سنہ

ہمان مستظہر حرمتان مستحق اخلاق فراوان فرمان کلیوس سی ہاور ناظم جنگ سلمہ اللہ تعالیٰ

شهامت ولایت مرتبت صاحب بسالت رهبان ملاذ و ستظهار حق نگر نیک کلبوس سپهر زیبا جناب سلمه الله
هیزدهم رجب سنه

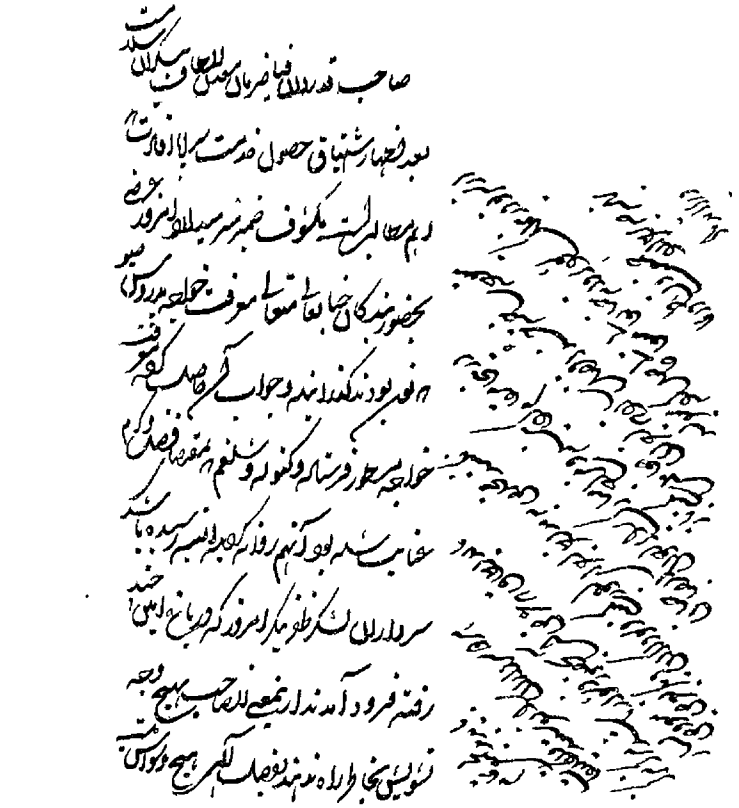

رقعہ بخواجہ شہر دہلی دکھاوہ مسترقرماں کلکٹر شاہجہانپور چہاردہم جولائی ۱۸۳۵ء

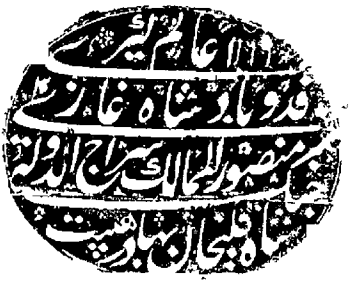

رفیع درجات شاہ مہر وفا دریا دل مسترو مال کلوس بہادر جلد
بحکم اعلیٰ

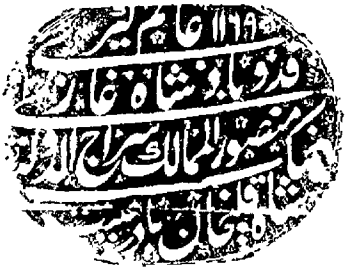

۱۵۴

رقم فرخنده توأمان شاه شهریار دوران کلب علی شاه بهادر

رفعه تعزیه نامه مهمات دیگاه مسیر قرمان کلیس

ماحصل نهاد مقرر حکم

علی التوالی حضور از رفعه تعزیه نامه مصمم محکم دارشی میانه

عهود و مواثیق و اسناد عالیه مرجب قرار تلو معدات

کوشیحات کمه اکبری رفوالقضاک تلوکم کوشیحات

کمه فرمیس مع اموال الی مردم العوزاتی نامه فلکدر شیه اید

وشنیده اند فرمیسان حرارتجاکر کمه اند در سرکار تلگر نوکر

رجوع شده اند با این سبب در نظر الشهامت مرتب حضور میکنند

حرانظر ترحم مرالهیات وخیال محبت وهمدستی با اکبریان مرتب حرانکه

بیشتر بکار کمک نفرشد لهو حالد موقوف که رسید از

غیر ضربت مرد حبس میانه عهود و میان فضاک الی

لدی فی حیاتی با بر استحکام دللو و همیشه رد اولوی

حرا بر لوی معدوم کوشیحات عهود مرتب الفضاک حرا بر خاطر

سهام‌ها

چو سهام ساکنان و سخنه‌های آن تلفن کار

ضرور مطلوب و خبرهای این چو سهام

در فرد سد الکی موجود نظر بر اینکه

حالد فعالیتی بوجهی مغایرت نماند به تکلیف

مرضی و لم احاد رهم مکرر در سبب و هیچ عدد

خرب بسلم و وحصد تحه ساکولان مع

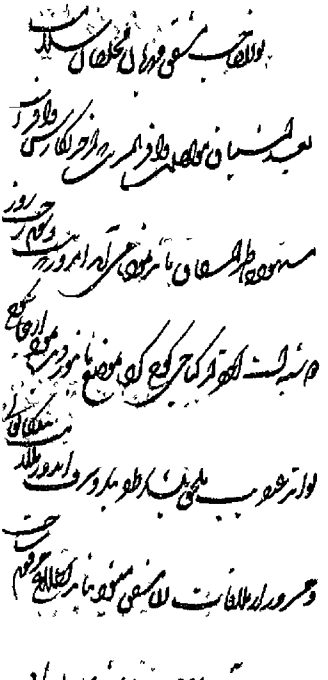

بکمال مطالعہ صاحب منشی مہربان فرمان معین جھوواڑ ان کر نہایت کلوبس تا بنجاک بہادر حضرت سلمہ اللہ تعالیٰ
معوز ماند

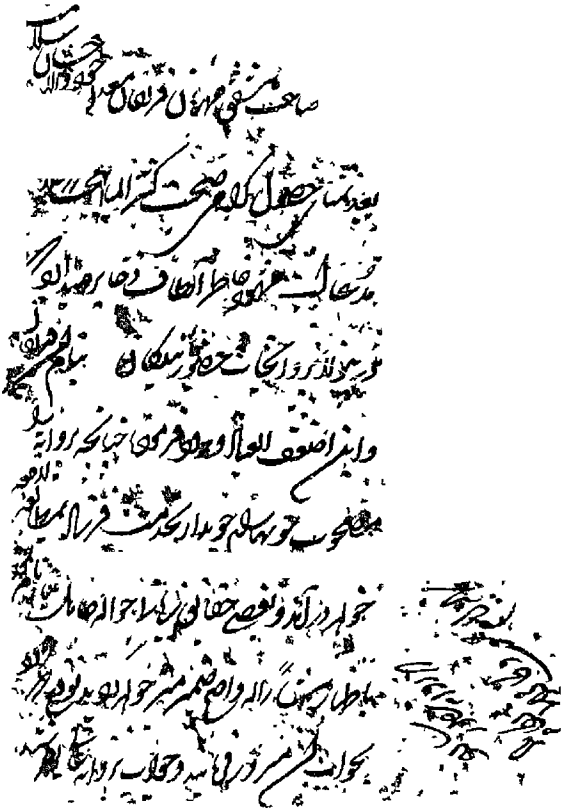

بگرامی محضر صاحب منصب لبیب بهادر امبکاه و ارسنطاز مخلصان مستر فرنل کلونل مای حکمران صاحب سلمه الله تعالی

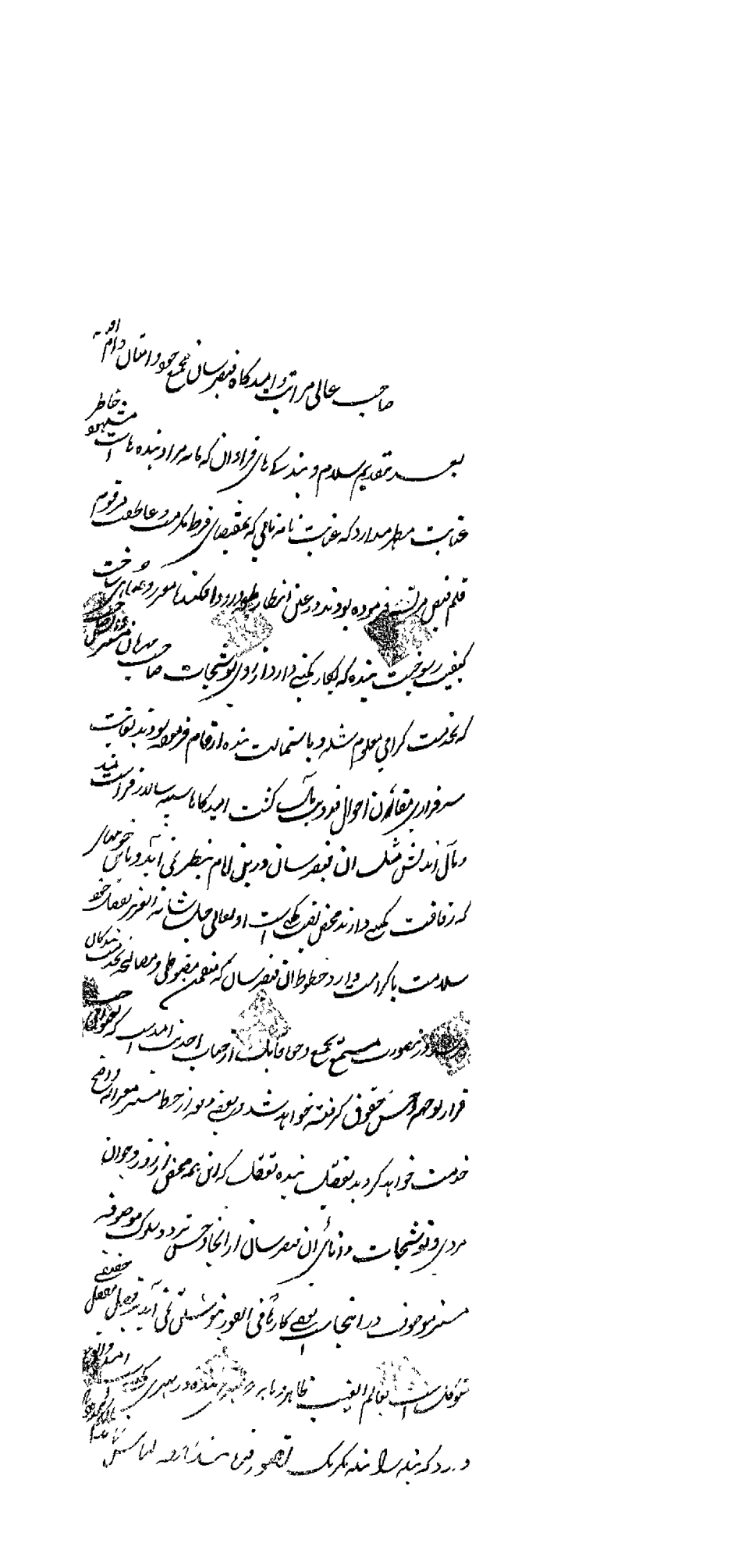

بگرامیمرطا که صاحب منشی لسار راجہ است ایلچی وانسفطار مخلصان مسترفریل کلکوسن نامنجنک بہادر صاحب سلمہ فرمان مصدر

مقدر جاہ المعالی سپہ دار سالار کرنیل سر جنگ بہادر

۱۲۹ اردو سید عبدالرحمن

(146)

رفعت و عز آنیا نہیں وصل دریں منزل کلوس ما حباب در سر بہر مقام

148

149

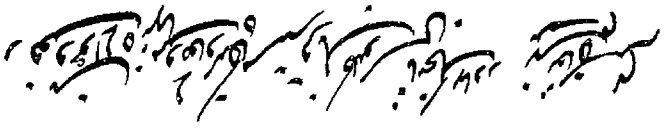

150

(151)

موجب ارسال نامه و رساله گرامی الله رجب سال ۱۳۰۷ در مازندران

پاسخ خاطر شما فرا رسید سلام از مرشد ما بر دل کهنه رقصه شد

و سر و زنه شام سلام رسانم مادران نهاد و غلامی شد که از سر حد

نهد بر دل کهنه و بهد با و جهان اگر بصحبت بر خاش الهام نفع انگیز

خواهد آمد مصالحه و قبول قرار خواهد ماند اگر موجب کفته نمایند

منظور خواهد داشت تفصیل مراد والد بر خاسته برود

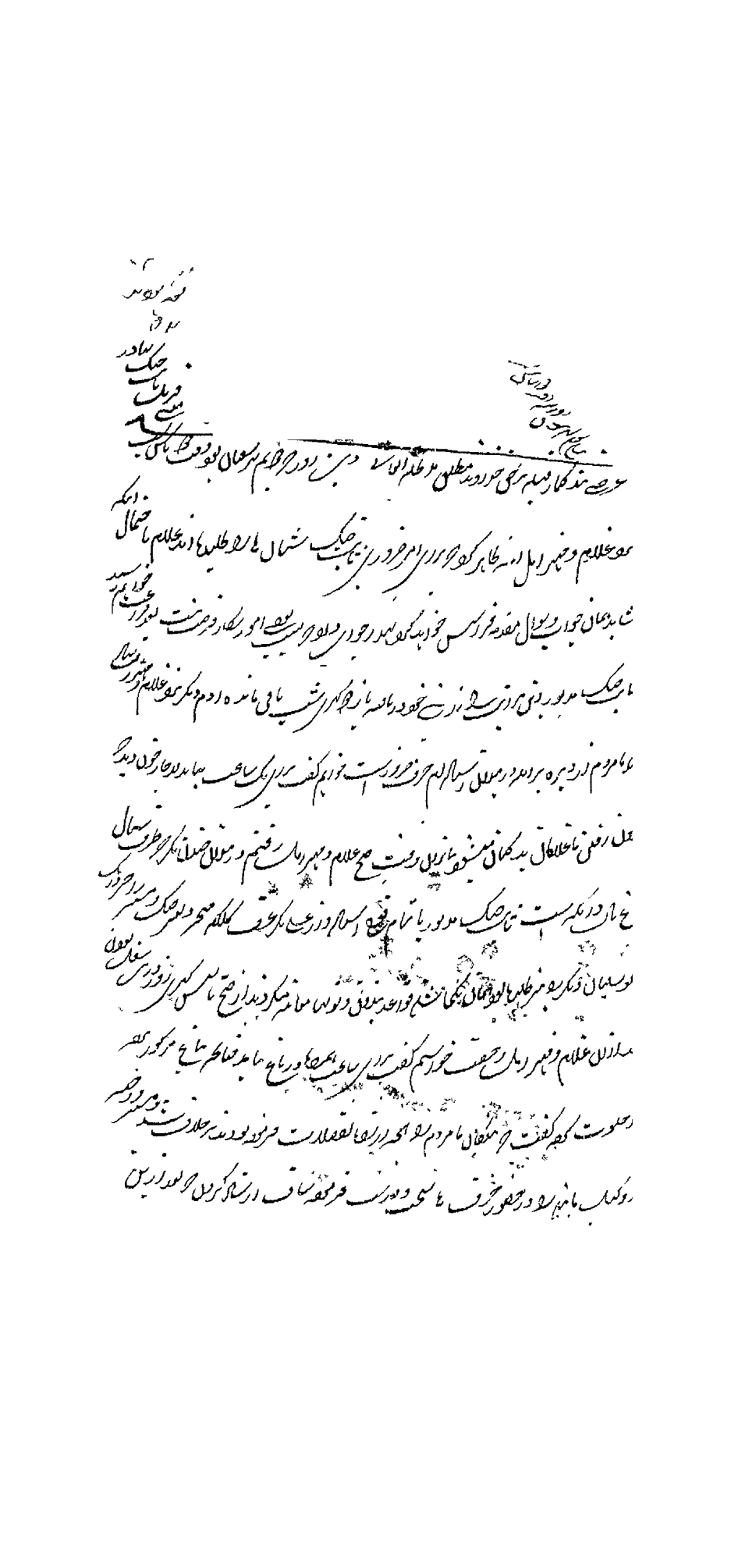

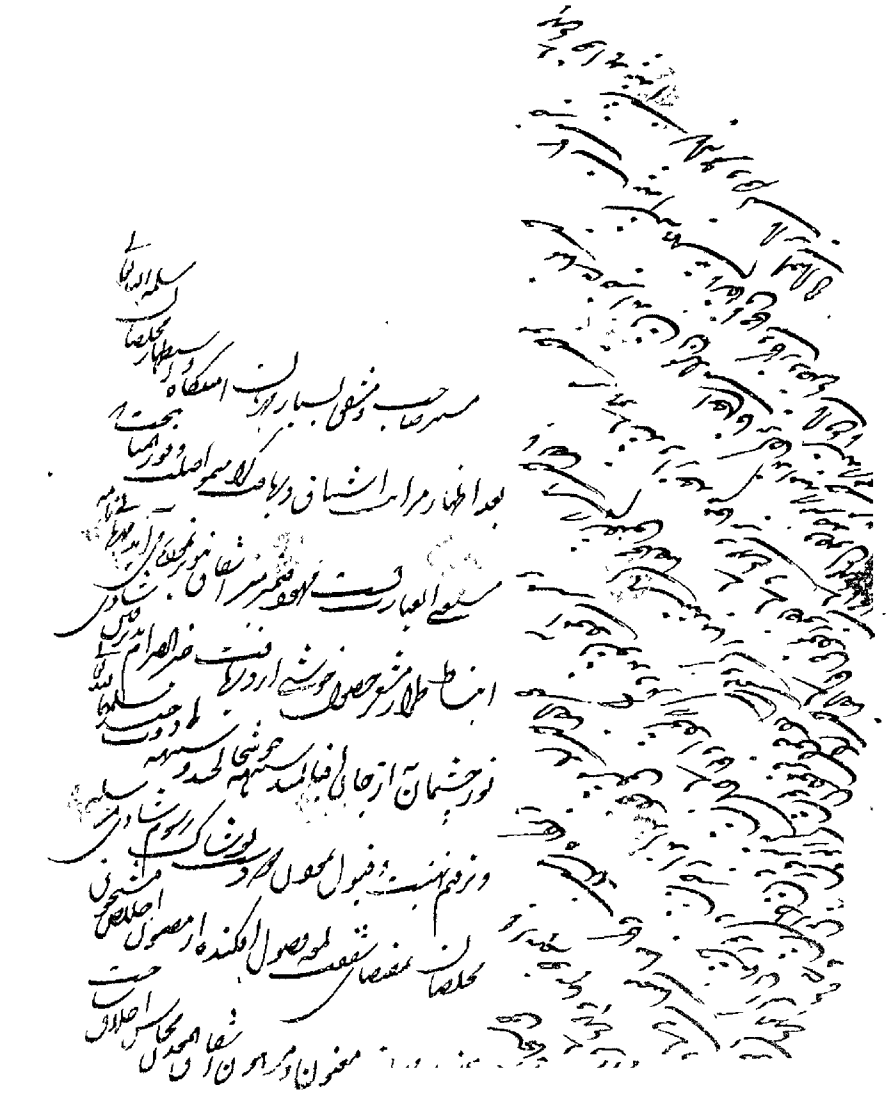

۱۱۶۹ عالمگیر
فرمانروای شاه غازی

رافعی و عزا بنا بنہر وقف در گاہ مسز قرآن کلوس با خطاب بہادر مبلغ صد روپیہ

۱۵۹

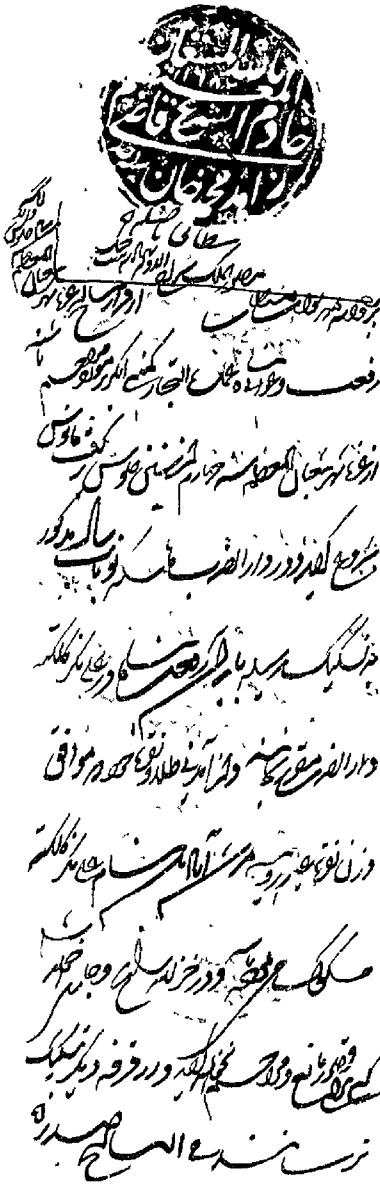

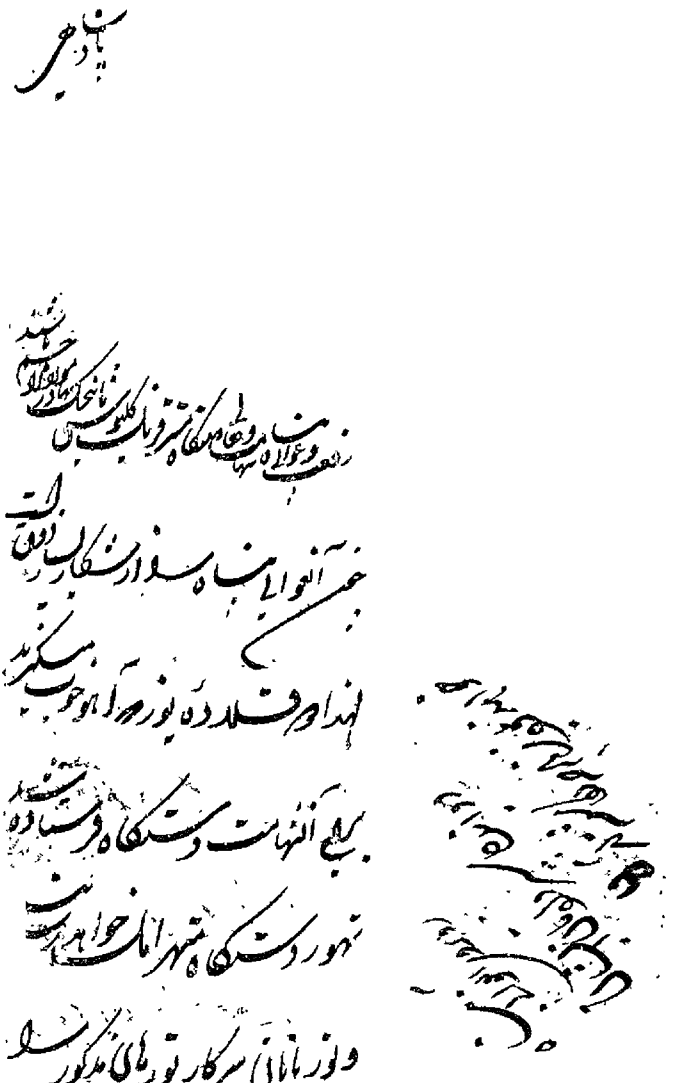

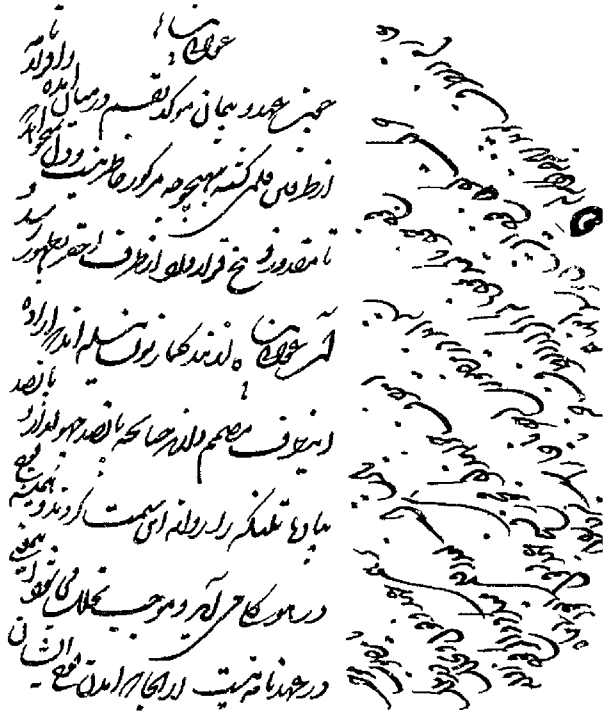

۱۱۵۸ کلہ

ی ما ص ح

۲

محصول کرا شہ محی لدت

۱۱۵۹ کلہ

ی ص ہ

۵

محصول کرا شہ محی لدت

مقام فرمواکن

ی سا لہ ص ہ ی ص ا ہ

۱۲ ۹

ی ص ۲ ہ ی لہ لہ ہ

۱۴ ۱۲

۱۱۶۰ کلہ ۱۱۶۱

ی ہ ص ح

۹

محصول کرا شہ محی لدت

ی ص ا ہ ع ل

۱۱

محصول کرا شہ محی لدت

ی ص ۱۰۱ ہ ی ر ص ہ

۱۲ ۱۳

ی ص ۲۱۳ ہ ی ما ع ہ

۱۱ ۶

۱۱۶۲

لع ما ہ ہ

۳

محصول کرا شہ محی لدت

ی ما ۲ ہ لع ملا ۹ ہ

۳

۱۱۵۸ کلہ ۱۱۵۹ کلہ

ای ملا ی ل

۹ ر ۱۲ ،

ای ملا ی ل

۹ ر ۱۲ ،

۱۱۶۰ کلہ ۱۱۶۱

ای ملا ی ل

۹ ر ۱۲ ،

ای ملا ی ل

۹ ر ۱۲ ،

۱۱۶۲

ای ملا ی ل

۹ ر ۱۲ ،

یا کل
فصول زیبا به نام عظیم کنج موفقیت فرانسه

سند تمام

یا کل
فصول خوانده به کنج سنگ ابادی بحره عرف فرانسه الکل
موفقیت فرانسه تمام

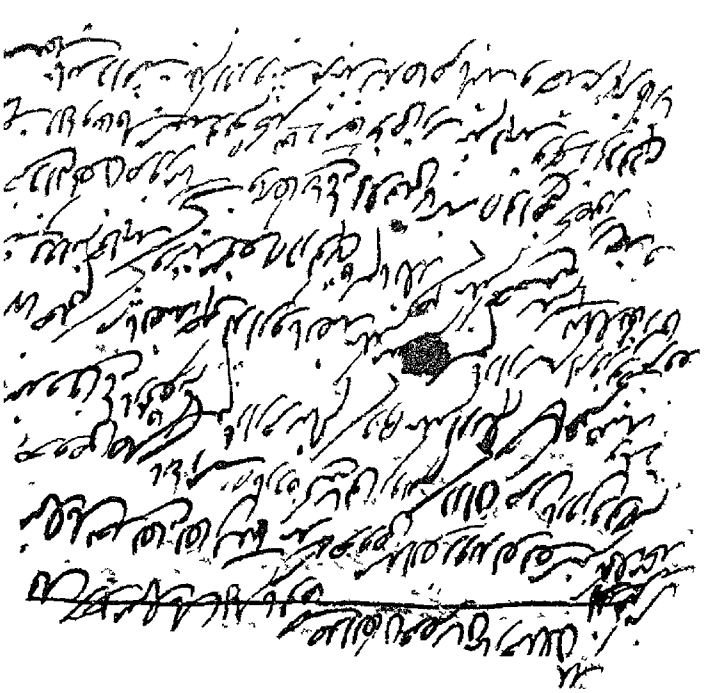

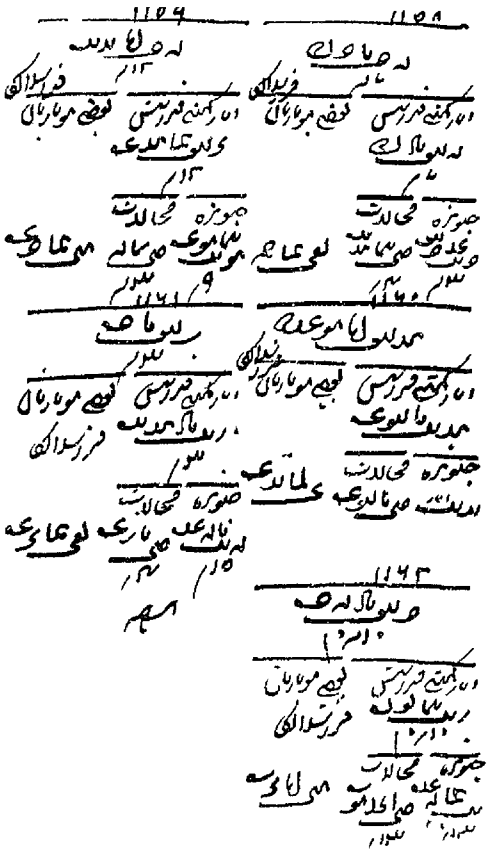

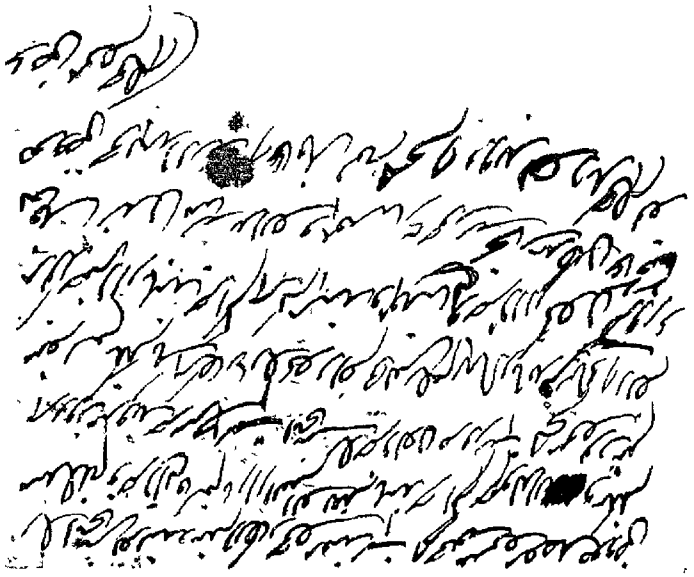

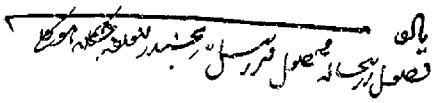

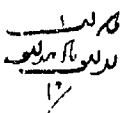

نقل عرضی راجا رام نگر

بنام جارت خان

نام جهار خان

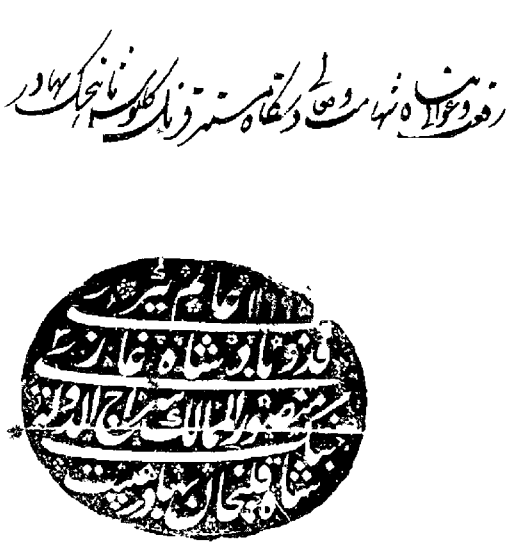

رفعت دولت خانه سپهر دوم دیگاه مسند فرمانروای کلوس ناصحاک بهادر خوانده شاه ممالک

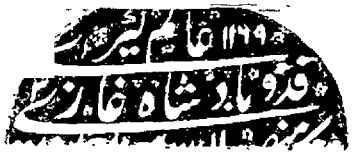

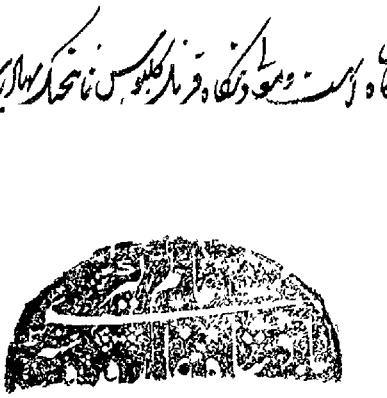

END

END

END

END

CLIVE PAPERS.

2517.

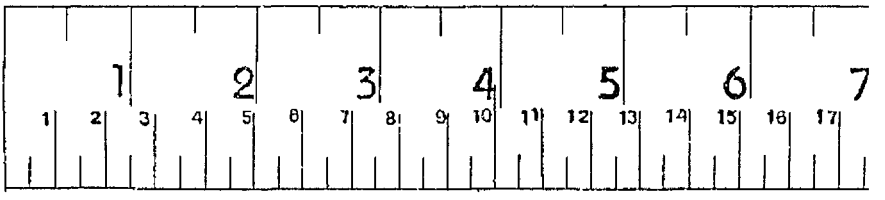

هفتاد و یک	هفتاد و دو	هفتاد و سه	هفتاد و چهار	هفتاد و پنج
هفتاد و شش	هفتاد و هفت	هفتاد و هشت	هفتاد و نه	هشتاد
هشتاد و یک	هشتاد و دو	هشتاد و سه	هشتاد و چهار	هشتاد و پنج
هشتاد و شش	هشتاد و هفت	هشتاد و هشت	هشتاد و نه	نود
نود و یک	نود و دو	نود و سه	نود و چهار	نود و پنج
نود و شش	نود و هفت	نود و هشت	نود و نه	صد
یک هزار	صد هزار	یک یک	صد یک	

سی و شش	سی و هفت	سی و هشت	سی و نُه	چهل
چهل و یک	چهل و دو	چهل و سه	چهل و چهار	چهل و پنج
چهل و شش	چهل و هفت	چهل و هشت	چهل و نُه	پنجاه
پنجاه و یک	پنجاه و دو	پنجاه و سه	پنجاه و چهار	پنجاه و پنج
پنجاه و شش	پنجاه و هفت	پنجاه و هشت	پنجاه و نُه	شصت
شصت و یک	شصت و دو	شصت و سه	شصت و چهار	شصت و پنج
شصت و شش	شصت و هفت	شصت و هشت	شصت و نُه	هفتاد

یک دو سه چهار پنج

شش هفت هشت نُه ده

یازده دوازده سیزده چهارده پانزده

شانزده هفده هژده نوزده بیست

بیست یک بیست دو بیست سه بیست چهار بیست پنج

بیست شش بیست هفت بیست هشت بیست نُه سی

سی و یک سی و دو سی و سه سی و چهار سی و پنج

جولاہا

دوکان

دوکان دار

پساری

حلوائی

چینے

مصری

استورہ

متقاضی

نہرنیہ

تیز

پتھر

کٹوری

لکڑی

کلاڈہ

کدال

کھنتہ

پہاڑنا

دهویا

چمار

حجام

درزی

سینا

کپراسیا

بیوں تایا

بالبر

رفوگر

سیقلگر

سان گر

رنگ ریز

رسے بانٹنے نا

بانٹنے

بڈھی

لوہار

سونہار

بنیہ

کوفتگر

مہرکند

روسہ

روسہ بنا و نیز واللہ

کبیے

تانتے

بھول	پسینہ رہ
پیشہ	انتہ دیں
نرم کرسار	پیلی
دارو	کھہ
اطلاع	پیشاب
طبیب	نابیے
حکیم	کانکہ سوپاں
مغز	نانکہ سوپاں
الاجیب	انکہ پیپنے
دل	ناکہ پشم
کلیجہ	دھوبیے
پیشہ	

داڑی	آہیلی
حلقوم	انکلی
کلا	نہہ
گردن	ہانکہ پشت
مہڑہ	کمر
بغل	چوتڑ
چھاتی	پانو
چونچ	پانو کہ تالو
پیٹھ	رگ
پیٹ	پہونکہ
باہوں	بات
ہاتھ	باغ
	کیاری

جانور	گان
گورسه	ابرو
مور	پنڈه
کبوتر	انکهه
گوّه	انکهین
بال	نالک
چیلک	موچه
میه	مونهه
سر	اونتهه
نصیب	جیب
پیشانی	دانته
چهره	تهوندی

کتہ

کتّی

کیدر

چوہہ

کربہ

سور

حرکوش

کورو

بچھڑو

بکری

ببرہ

مچھلی

جلیبہ

تزرکہ

تازی

ثانکن

ثثو

خچر

لگام

زین پوش

دارنہ

کھاس

پایہ

کون	میدان
کون ہی	لڑائی
بچہ چی	نابینا
اوپر	کھوڑہ
بالاخانہ	کدہ
قطار	خچر
برابر	اونٹنی
درست کرو	اونٹنے
بناو	بھیس
تیار کرو	باک
افتابہ	باکنی
سلیپ چی	بھاک

تم شتابدیاد	کام کرو
شتابدیجاو	ہمارا کام ہی
جلد	ضرور کام ہی
شتاب	کیون
صاحب بلایا	کسواسطے
صاحب کو بلا کر لیاؤ	کہاں
ضیافت مہمانی	وہان
استدعا	کہان سیتے اؤ
کہو	کہان جاویگا
سوال	ئی ہان
جواب	دسبجکھہ
کام	یہ [illegible]

حویلی

حویلی کرایہ کرو

کھاو

کھانا تیار کرکے لاؤ

پانی لاؤ

ہاتھ دھولاؤ

رومال

رومال لاؤ

جوتا صاف کرو

کرم

کرم پانی لاؤ

خوب کرم کرکے لاؤ

کرم کرکہ دیو

فانوس

فانوس لاؤ

لگاؤ

چیز

یک چیز

کچ چیز

بھیجو

بھیج دیو

منگایا

تم شتاب لیو

بچھونا بچھاؤ

پلنگ پوش اوتھاؤ

پلنگ پوس پلنگ کے اوپر بچھاؤ

رضائی

تکیہ

توشک

تکیہ دے او

مصری لگاؤ

مصری کھرا کرو

صف بچھاؤ

ایک آدمی کو بلاؤ

سئیس کو بلاؤ

گھوڑہ تیار کرنا گھو

زین

زین پوش

لگام

لگام لگاؤ گھوڑے کو منہ موں

پالکی لاؤ

پالکی تیار کر کے لاؤ

بہرا کو بلاؤ

کہاں ہی

کہاں گیا

کہانا تیار کرو

گاڑی تیار کر کے لاؤ

قلمدان		سرخی
غلام		گُر
چاکر		اندژا
خدمتگار		خانه
بالاخانه		جهوته خانه
جهت		بژا خانه
دالان		
کژی		کوریه
برکا		بلی
کوتری	کوشک	چوکای او
کهوتژ		پلکان او شاو
اینهشه		میخ او تهاو
چونه		پلکان بچهاو

دیوانہ ہوا

پاگل ہوا

شرابکہ بوتل توتا

توڈ دالا

تودوا کرایا

کیوں تودوایا

کسواسطے تودوایا

کوشش وسناکرایا

ابھی ترنباو

کہانا پکاکرایا

مزہ دار

خوب مزہ دار

خوب مزہ لگتا ہی

خوب مزہ دتا ہی

اچھہ

اچھہ مزہ

چمچہ صاف کرکہ لاو

یک چمچہ دیو

یک چوکہ پہیتو

سب چوکہ یاو

لمبا چوکہ

پلنگ

کتاب

داوت

کباب دان		پیالہ لاؤ
پکاؤ		شراب پیو
بریان		تم پیو
طلا	برشت	تم پیو گے
چمچہ		تم پلاؤ
شراب		تمکو پلاؤ گا میں
شراب خور		یک پیالہ شراب لاؤ
متوالہ		یک پیالہ شراب پلاؤ
شرابیہ		متوالہ ہوا
بوتل		متوالہ ہوا ہی
شرابکہ بوتل		جنون
پیالہ		

کھانا	میز پر بچھاؤ
گوشت	میز پر رکھو
خصی کا گوشت	کھانا کھاؤ
مرغ	کھانا کھلاؤ
مرغی	ذبح کرو خصی
مچھلی	مچھلی تراش
کھیرہ	کھیرہ چھیلو
لیموں	لیمو نکالو عرق نکالو
سفید چادر لاؤ	کباب
دھوبی چادر لاؤ	کباب کرو
ریشمی	بناؤ
	دسناؤ

سفید کپڑا

مول یا اون

بنچو

بیجن کھو

بنچ کر کپڑا یا اون

پوشاک

جامہ

پگڑی

پتوکہ

شال

یک بہہ

پالوس

صاف

چھوری

کانٹا

باسن

چینی کا باسن

رومال

سفید رومال

لعل رومال

ریشمی رومال

میز کا چادر

ماموں	بیٹا
خالو	بیٹی
سادو	نایٔ
سالہ	سفید
سُسر	سفید چادر
نانا ن	لعل
بھابیٔ	زرد
پھوپھی	کلابیٔ
بھتیجے	سیاہ
بھوج	کالہ
ساس	نیلا
بھتیجہ بھای	کپیرا

مرچ	ادرک
تیزپات	تالاب
زیرا	کہانشہ
جائفل	کمک
لونگ	ناو
الائچی	چھوٹا ناو
جوتری	باپ
پیاز	ماں
لہسن	بھای
ہلدی	بہن
دھنیہ	بچہ
	پھوپھا

	کندک		ندی
تصویر	نقش		دریا
مصور	نقش بند	قلم	زمارت
اراضی	زمین		چولہ
	دہاں		دمک
	چاول		دیگچہ
	بوٹ		ماندی
	مسور		کھیو
	مشرکلدی		تیل
	ماش		نمک
	پتہ نائی مشر		مصالہ
	تالاب		

اخلاص	روپا
راضی	سونا
خوش	تانبہ
خوشحال	پیتل
خوشی	رانگہ
خوش خبر	جستہ
خبر	شیشہ
خیریت	لوہا
خیر	فولاد
حیات	شورہ
عمر	پارہ

لیکھا	چغہ
مقراض	انکھوٹہ
چھوری	چوغلخور
بیاحیہ	دغاباز
بیوقوف	مارنا
عاقل	اُبدِنا
بیاعاقل	نتیجہ دِنا
شیطان	ازار
حرام خور	بیارام
دانہ	بجویز
موتہ	دوست
مونکہ	دوستی

انار

انناس

بیلک

مولہ

تربور

گیلہ

مرتمان گیلہ

کتھالیہ گیلہ

گجہ گیلہ

بادام

کشمش

توپ

توپخانہ

بندوق

تلوار

تیر

تیرانداز

برقنداز

دوات

قلم

کاغذ

قلم تراش

زور	سوت بانشا
زوراور	رسا بانشا
زورآوری	روی
زبر	انگور
زبردستی	بین
دیوار	گهره
پشته دیوار	کاغذی لیمون
کچه دیوار	ام
رسیه	کشمش
رسا	ناریل
ثبوت	بیر

اِدراو	خدا
اودرجاو	خدا کا بندہ
نیچی	خدا کہ طاقت
اوپر	خدا کہ واسطے
میدان	خدا فرمایا
راہ	بے ایمان
راستہ	ایماندار
پُل	باایمان
سرکہ	اعتبار
نردبان	اعتباری
بندگ	قوت